

خیانتها و فضاخاهاى رژيم در مراجع حقوقى بين المللى

* بخشش يك ميليارددلارى به فرانسه

* بر سر دعاوى ايران عليه آمريكا درد ادگاه لاهه چه آمده است؟

* برخى ماجراهاى پشت پرده



دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ برابر ۲۰ مه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۷

اهواز نیز به پا خاست! رژیم وحش زده است

تظاهرات و خیزشهای مردمی علیه رژیم و علیه جنگ همچنان ادامه دارد. بعد از تظاهرات ۱۲ آبان از دیگر محلات تهران نیز خبر رسید که مردم برخاسته اند. شهرستانهای مختلف نیز به همینسان. همدان، اندیشک، دزفول، تبریز، مشهد، اصفهان، خرم آباد، بروجرد... و اکنون خبر از اهوازی رسد: در روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته گذشته مردم اهواز به مصاف با رژیم برخاستند، نیروهای سرکوبگر وحشیانه بر سر مردم ریختند و اینبار نیز به روی توده ستمدیده ای که از دویلاهی هم تبار، رژیم و جنگ، به تنگی آمده اند، آتش گشودند. باز هم کسانی کشته شدند، جمع بسیاری زخمی گردیدند و عده ای نیز به سیامچالها افتادند. اما اعتراض همچنان ادامه دارد، چه در اهواز و چه در نقاط دیگر.

خیزش مردم اهواز در زمانی رخ داد که هنوز رژیم بر اثر تظاهرات گسترده مردم جنوب تهران در محله ۱۲ آبان آشفته و سراسیمه بود. این آشفتنی و سراسیمگی را به عیان می شد از خلال واکنشهای بقیه در صفحه ۲

سیاست مالیاتی جمهوری اسلامی به سود چه کسانی است؟

دولت جمهوری اسلامی با بحران کم سابقه و حاد اقتصادی و مالی مواجه است. کاهش قیمت نفت و کاهش میزان صادرات آن، کاهش سریع صادرات غیر نفتی، با انضمام افزایش سرسام آور بودجه نظامی و انتظامی و رشد شتابان هزینه های جاری و اداری حکومتی، باعث شده است که دولت به افزایش بازهم بیشتر مالیاتهای آوری آورد. در لایحه بودجه سال ۶۴، میزان در آمد دولتی از مالیاتها بالغ بر ۱۱۲۰ میلیارد ریال پیش بینی شده است، و این رقم چند برابر میزان مالیاتهای سال ۵۹ می باشد.

مران جمهوری اسلامی سیاست مالیاتی را تماماً بر زبان توده ها تنظیم کرده اند. بعبارت دیگر، حکام جمهوری اسلامی از حقوق و در آمد ناچیز توده ها، بقیه در صفحه ۳

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۶

بشریت ترقیخواه، جمهوری اسلامی را محکوم می کند

به جنگ ایران و عراق خاتمه داده شود
ستتقار کنندگان ۱۱ آوریل تهران، آزاد کردند
اقدام مشترک ایرانیان و عراقی ها علیه جنگ

از سوی فدائیان خلق، توده ایها و هواداران حزب کمونیست عراق در روز ۲۱ فروردین در شهر ارمشتات آلمان فدرال یک نمایشگاه عکس دایر گردید. در این نمایشگاه که به نمایش حاصل کار خیانتها و جنگ طلبی های دوررژیم ارتجاعی ایران و عراق اختصاص داشت، صحنه هایی از اقدامات نفرت انگیز این دورژیم در ویرانی و کشتار و آوارگی به نمایش گذاشته شد. وضعیت زندانیان سیاسی ایران و شکنجه و قتل آنان نیز در معرض دید عموم قرار داده شد. این نمایشگاه مورد بازدید مردم قرار گرفت. بازدید کنندگان این دورژیم را محکوم کردند. بقیه در صفحه ۲

اعلام همبستگی با تظاهرات ۱۳ آبان

از سوی ماریوکایانا دبیر اول "دموکراسی بر ولتاریا" و رئیس گروه پارلمانی "دموکراسی پرولتاریا" در پارلمان ایتالیا بیانیه ای در مورد اوضاع ایران صادر شد. در این بیانیه ضمن بر شمردن مصائب جنگ بین ایران و عراق و محکوم ساختن ادامه این جنگ از جمله آمده است:

"... اخیراً از تظاهرات چندین هزار نفری، ضد جنگ و برای صلح که در تاریخ ۱۱ آوریل در تهران روی داد مطلع شدیم... ما ضمن پشتیبانی از خواست بحق صلح از سوی مردم، انزجار خود را از تدابیر اختناقی و ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی ایران اعلام می داریم و آن را محکوم می کنیم. همچنین خواستاریم که:

موضع مشترک احزاب کمونیست عراق و ترکیه در باره موافقتنامه ضد کردی بغداد-آنکارا

بنا به اخبار منتشر در هفته گذشته، رژیم نظامی ترکیه در هماهنگی با رژیم ضد مردمی عراق در تدارک حمله قریب الوقوع دیگر، به خاک کردستان عراق است. حملات گذشته ارتش ترکیه به کردستان عراق، تلفات و ویرانی های بسیاری ببار آورده بود. اکنون این دورژیم جنایتکار خود را برای بنیادین تازه تری آماده می کنند.

برای آشنائی خوانندگان با تونله مشترک رژیمهای عراق و ترکیه علیه جنبش ملی کردستان مقاله زیر را به نقل از نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" (شماره ۴ سال ۱۹۸۵) منتشر می نمایم. این مقاله توسط کاکام حبیب عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و علی ایلری عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه نوشته شده است. این دو آن در عین حال نماینده حزبشان در هیئت تحریریه نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" هستند.

ترکیه و عراق در سال ۱۹۸۲ یک موافقتنامه سری به امضا رساندند که احتمالاً مهمترین نکته آن این بود که نیروهای دودولت حق دارند تا نزدیکی به ۱۷ کیلومتر به خاک و حریم هوایی کشور همسایه رخنه کنند. بعنوان دلیل، از این "استدلال" که نه استفاده شد که باید با "اقدامات عناصر خرابکار" مقایسه نمود. اما در حقیقت، مسئله بر سر پیگرد و توجیل دادن متقابل نیروهای اپوزیسیون مسلح میهن پرست در دو کشور است.

بقیه در صفحه ۱۲

در این شماره:

شکوفایی، رفاه و بهروزی:

ارمغان سوسیالیسم برای مردم مجارستان

در صفحه ۱۲

نقشه های هیتلر برای تصرف ایران

در صفحه ۱۴

از میان نامه ها

در صفحه ۱۰

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

رفیق ایرج اسکندری درگذشت



با اندوه فراوان اطلاع یافتیم که رفیق ایرج اسکندری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۴ زندگی را بدرود گفته است.

درباره این حادثه تاسفبار کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاعیه‌ای صادر نمود. در بخشی از این اطلاعیه دربارتکری زندگی رفیق اسکندری آمده است:

"رفیق اسکندری در سال ۱۳۱۶ با گروه پنجاه و سه نفر بازداشت شد و به ۵ سال زندان محکوم گردید. بعد از آزادی از زندان در سال ۱۳۲۰ رفیق اسکندری یکی از بنیانگذاران حزب توده ایران بود. او در کنگره اول حزب در سال ۱۳۲۲ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و این سمت را تا پایان زندگی حفظ کرد. بعد از یورش وسیع ارتجاع به حزب توده ایران و سایر سازمانهای مترقی، در سال ۱۳۲۵، رفیق اسکندری مجبور به جلائی وطن شد. در سالهای دوری از ایران، رفیق اسکندری به فعالیت سیاسی خود ادامه داد.

رفیق اسکندری در کنار فعالیت سیاسی، اوقات محدود فراغت خود را به کارهای پژوهشی و علمی می‌گذراند. ترجمه فارسی کتاب کاپیتال اثر دورانساز کارل مارکس، که بخش اعظم آن انتشار یافته، و بخش دیگری آماده چاپ است، از محصولات این رشته از فعالیت اوست."

بهیمنی نفس کش می‌طلبد که "چه کسی می‌گوید ما باید صلح کنیم؟"

این سراسیمگی‌ها از چه چیزی حکایت می‌کنند جز پوشالی بودن بنای حکومت؟ این همه تشقت‌ها و آشفتگی‌ها دلالت بر وجود هزاران ترک در بنای رژیم جمهوری اسلامی دارند که با هر نهی و هر حرکتی و هر خیزشی، عمیقتر و عمیقتر می‌شوند.

شواهد حاکی از آنند که رژیم در صدد "چاره" جویی بر آمده است. به قول سرمقاله نویس روزنامه اطلاعات، ارگانهای مختلف امنیتی و انتظامی و نظامی و اطلاعاتی و خبری، می‌خواهند از این پس "سرب" و "ماهنگ" عمل کنند. لازمه این کار آن است که ترکها "بند کشی" شوند. اما کار دیگری از این کارها گذشته است. جنبش فرصتی باقی نخواهد گذاشت. جنبش می‌توفد و ترکها عمیقتر از آنند که بتوان آنها را با سخت‌ترین ساروجها نیز پر کرد.

بشریت ترقیخواه، جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند

بقیه از صفحه اول

راهپیمایی در سوئد



گزارش
تظاهرات که با شرکت
هواداران
فدائیان خلق ایران
(اکثریت) در سوئد در
اعتراض علیه جنگ و
بمباران مناطق مسکونی
سورت پذیرفت قبلاً در
نشریه درج شده بود.

جشن پیروزی خلق ویتنام در برلین

دهمین سالگرد پیروزی خلق ویتنام در برلین غربی جشن گرفته شد. این جشن که عرصه تجلی همبستگی بین‌المللی با انقلاب ویتنام بود با برنامه‌های متنوع هنری نیز همراه بود. پیام سفیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در آلمان دمکراتیک نیز در این جشن خوانده شد و با ابراز احساسات شدید حضار و روپرو گردید.

فدائیان خلق در برلین غربی نیز در این جشن شرکت داشتند و پیام آنان به این جشن، توسط یکی از مجریان ویتنامی برنامه‌ها خوانده شد.

صلح، ضرورتی مبرم



دزکنگه جوانان کمونیست اتریش

روزهای ۲۷ و ۲۸ آوریل چهارمین کنگره جوانان کمونیست اتریش برگزار گردید. این کنگره با حضور ۸۰ نماینده از شهرهای مختلف اتریش و میهمانانی از سازمانهای جوانان کشورهای مختلف اتحادیه جهانی جوانان دمکرات برگزار گردید.

متن پیام ارائه شده از سوی جوانان فدائیان خلق در اتریش به چهارمین کنگره جوانان کمونیست اتریش در جریان کنگره توسط یکی از مجریان آن برای شرکت کنندگان خوانده شد که طی آن رژیم خمینی شدیداً محکوم گردید.

از سوی کمیته یونانی برای صلح جهانی هیاتی برای اعتراض به ادامه جنگ و اعلام خواست برقراری فوری صلح به سفارتخانه‌های ایران و عراق مراجعه نمود این هیات مرکب بود از: دبیر کل هیات صلح روشنفکران و هنرمندان روزنامه نگار، دبیر کمیته یونانی برای صلح جهانی، یک استاد دانشگاه، یک کشیش و یک نقاش و یک هنرپیشه.

این هیات اعتراض نامه‌هایی به سفارتخانه‌های دو کشور تحویل دادند که در آنها تائیدی عمیق خود را بابت ادامه قتل عام و بمباران شهرها ابراز داشتند. این اقدامات در روزنامه‌های مترقی یونان نیز بازتاب داشته است.

اهواز نیز به پا خاست!

رژیم وحشورده است

بقیه از صفحه اول

گونگون و بهم ریخته مقامات حکومتی در قبال تظاهرات محله ۱۳ آبان، مشاهده کرد.

سرکوب، بکرو و بپند، ابوابی گری و چماق کشی به بهانه مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی، تناقض کوبی‌های مکرر، دروغ بافتن و بهتان زدنهای دم به دم، به یکدیگر، گسیل داشتن دروغبافان و فریبکاران حرفه‌ای همچون حجازی به محله ۱۳ آبان برای ایراد سخنرانی‌های آنچنانی، صحبت‌های یکی از مسئولین سپاه پاسداران در تلویزیون که این حرکت سیاسی بوده و جمعیت علیه پاسدارها نیز شعار داده‌اند و سپس تکذیب این گفته از سوی مقامات... همه اینها نشانه چیست؟

ناظم نوری، وزیر کشور، می‌گوید در محله ۱۳ آبان ۲۰۰ فدائی، توده‌ای و مجاهد دستگیر شده‌اند، موسوی نخست وزیر این سخن را تکذیب می‌کند، سالک، قائم مقام کمیته‌ها گوشه‌ای از ابعاد تظاهرات را بر ملا می‌کند، رستنجانی، رئیس مجلس در نماز جمعه به انکار آن بر می‌خیزد، روزنامه اطلاعات خبر را تیتیر می‌کند، روزنامه جمهوری اسلامی انتساب خبر را به وزیر کشور مردود می‌شمارد، بی‌دری گردهمایی‌های امنیتی برپا می‌شود، ری شهری، رئیس ساواک جمهوری اسلامی شتابان نزد خمینی می‌رود، از نزد این وزیر به دفتر آن رئیس می‌شتابد، سرمقاله نویس روزنامه اطلاعات روزهای متوالی بحر طویلی در توجیه حادثات و برای عبرت آموزی بروق پاره خود می‌تکارد و بالاخره خمینی که از شنیدن خبر تظاهرات ضد جنگ و ضد رژیم سخت غضبناک شده در سخنرانی نیمه شعبان خود با حالتی

آیا ۴۳۰۰۰ کیلو مواد مخدر را می توان در بدن جاسازی کرد؟
دکتر حسین فخر رئیس شورای عالی پزشکی و مدیر اداره مواد مخدر وزارت بهداشت در تاریخ ۲۰/۱۲/۶۳ طی مصاحبه ای با روزنامه کیهان به این سؤال که:

"بر اساس گزارش یکی از روزنامه های کشور تعداد معتادان پس از انقلاب چهار برابر شده است، نظر شما چیست؟" چنین پاسخ داد: "طبق شواهد و آمار موجود تعداد افراد معتاد نه تنها افزایش نداشته بلکه پس از انقلاب کاهش نیز داشته است." وی در جای دیگری از مصاحبه اعلام کرد: "مبارزه نیروهای انتظامی با قاچاق مواد مخدر به آنجا رسیده است که مدت ها است کشف حمل قاچاق با اتومبیل به مقدار زیاد گزارش نشده است. که به نظر میرسد اساساً چنین حملی با وجود ندارد و یا کاهش چشم گیر داشته است. در مناطق مرزی نیز توسط نیروهای انتظامی مأموله های چندین کیلوگرمی کشف و گرفته میشود که این مأموله ها در کیف و یا ساک و یا بر سینه افراد موتور سوار حمل و نقل میگردد و یا اینکه در بدن جاسازی میشود."

اگر به روزنامه کیهان در طول یک هفته قبل از مصاحبه دکتر حسین فخر توجه کنیم به ارقام زیر بر می خوریم:

۲۰ هزار کیلو حشیش در کویر زاهدان از قاچاقچیان بدست آمد....
۶۳/۱۲/۱۶: ۲۶ کیلو تریاک کشف شد....

مجدداً همان روز: ۱۲۱ کیلو تریاک جمعا در زاهدان کشف شد.

۶۳/۱۲/۲۰: توسط پاسداران کمیته انقلاب اسلامی ورامین محموله ۷۰ کیلو هروئین کشف شد. در طول این یک هفته کشف جمعا ۴۲۱۶ کیلوگرم مواد مخدر فقط در روزنامه کیهان اعلام شده است. بگذریم از اینکه چندین برابر این مقدار کشف نشده و یا اعلام نگردیده است.

* از آنجایی که این مقدار مواد مخدر را نمی توان در کیف و چمدان حمل کرد و یا در بدن جاسازی کرد و با توجه به این که آقای دکتر حسین فخر گفته اند مواد مخدر با اتومبیل حمل نمی شود می توان نتیجه گرفت که مواد مخدر در جمهوری اسلامی، کامیون کامیون حمل و توزیع می شود!

"از مشاغل.... اگر حساب کنیم ما متوسطاً ماهیانه ۶۵ تومان توانستیم مالیات بگیریم در حالی که حقوق بگیران دولتی را در نظر بگیریم، اینها ماهیانه مبلغ ۲۶۵ تومان بطور میانگین مالیات پرداخت کرده اند." (کیهان هوایی ۶۳/۱۲/۱۵)

و این چنین است که میتوان گفت قریب به ۹۰ درصد مالیات را مستقیم و غیر مستقیم، توده های محروم و حقوق بگیران ثابت کشوری پرداختند. سیاست حاکم بر مالیات گیری کشور را بطور فشرده یکی از نمایندگان مجلس چنین تصویر می کند:

"همه چیز دولت را داده اید.... اول که دادیم خوردند غیر مستقیم رفت به جیب میلیارد ها.... حالا می گوئیم مالیات هم بگیریم، می گوئیم از کارمندی که ماهیانه سه هزار تومان حقوق می گیرد مالیات بگیر.... اما آن آقای که روزانه نیم میلیون، یک میلیون، دو میلیون، سه میلیون درآمد دارد.... از او مالیات بگیریم." (جمهوری اسلامی ۶۳/۱۲/۱)

است در جدول دو، مالیات های سال های ۵۷ الی ۶۴، با تفکیک دو بخش مستقیم و غیر مستقیم مالیات ها، ارائه شده است:

بدیهی است که بخش اعظم پرداخت مالیات های غیر مستقیم، که شامل حقوق و عوارضی گمرکی

سیاست مالیاتی جمهوری اسلامی، به سود چه کسانی است؟

(مالیات بر واردات) و مالیات بر مصرف و فروش می شود، بر عهده محرومین است. چرا که هر گونه افزایش در مالیات غیر مستقیم، عیناً در قیمت کالاها منعکس می شود. با توجه به اوضاع اقتصادی کشور، تاجر و توزیع کنندگان، عملاً بیش از میزان مالیات پرداختی، بر قیمت ها می افزایند، تکامی به اقلام جدول فوق نشان میدهد که سیاست مالیاتی دولت در جهت افزایش مالیات های غیر مستقیم سیر کرده است. یکی از عوامل اصلی در ناعادلانه بودن سیاست مالیاتی دولت نیز همین رشد فزاینده مالیات های غیر مستقیم می باشد. تنها در فاصله سال های ۶۰ الی ۶۲، مالیات های مستقیم ۵ درصد رشد کرده، حال آنکه مالیات های غیر مستقیم ۱۰۰ درصد رشد داشته است.

اما بی عدالتی سیاست مالیاتی دولت، تنها به افزایش سرام آور آن و چند برابر شدن مالیات های غیر مستقیم محدود نمی شود. بخش اعظم پرداخت مالیات های مستقیم نیز بر عهده مردم قرار دارد. مالیات های مستقیم که عبارتند از مالیات بر درآمد و حقوق، نیز علیه مردم و به سود صاحبان ثروت و بخش خصوصی وضع شده اند. سود های هنگفت و نجومی کلان سرمایه داران و تجار با بعضاً پرداخت مالیات معاف می باشند (نمازی، وزیر دارایی - اطلاعات ۶۲/۵/۲۴) و یا مورد اغماض حامیان دولتی شان قرار می گیرند (بانکی - اطلاعات ۶۲/۱۰/۲۸) و یا دست آخر با پرداخت مبلغ ناچیزی بعنوان مالیات، شرعی و حلال می شوند. تنها در فاصله سال های ۶۰ تا ۶۲، میزان مالیات بر درآمد بخش خصوصی از ۱۰ درصد کل مالیات به ۶/۴۴ درصد کاهش یافت. حکام جمهوری اسلامی که بر میزان مالیات توده ها و محرومین افزوده اند، در مقابل از میزان مالیات بخش خصوصی کسر می کنند!

رسوایی سیاست مالی و مالیاتی دولت، گهگاه مسئولین را ناگزیر به اعترافات تکان دهنده ای می کند:

"در بررسی های انجام شده در سال ۶۱، حدود ۲۸۰ میلیارد تومان درآمدهای بخش خدماتی و بازرگانی بوده، ولی مالیات آنها کجا رفته معلوم نیست؟"

(دکتر بانکی - اطلاعات ۶۲/۱۰/۲۸)

هر گاه از همین یک قلم در آمد کلان بخش خدماتی و بازرگانی، بارخ متوسطاً مالیات اخذ می شد، معادل ۲ برابر کل مالیات همان سال بود. اما حکام "سرمایه نواز" جمهوری اسلامی برای پر کردن خلا مالی خود، به غارت و چپاول مردم اهتمام می ورزند. باید خاطر نشان ساخت که بخش اعظم مالیات مستقیم عبارت است از مالیات بر حقوق کارگران و کارمندان و دیگر حقوق بگیران ثابت، و این همه در وضعیتی است که صاحبان مشاغل آزاد بطور متوسط به مراتب کمتر از حقوق بگیران دولتی مالیات می پردازند.

بقیه از صفحه اول
مالیات می گیرند و نه از سود های هنگفت و نجومی سرمایه داران و صاحبان ثروت. بنا به اعترافات باره ای از دست اندرکاران حکومتی، تنها اخذ مالیات بارخ متوسط و یا حتی حد اقل از سود و درآمد

صاحبان ثروت و بخش خصوصی، میتوانند بخش اعظم در آمد مالیاتی دولت را تامین نمایند. ولی حکام مرتجع جمهوری اسلامی به غارت و چپاول محرومین مشغول هستند. تکامی به کم و کیف افزایش سرام آور مالیات ها بیافکنیم:

بنابه اعتراف یکی از نمایندگان مجلس:
"در آمد مالیاتی نسبت به کل درآمد دولت که در سال ۶۲، ۲۶-۲۵ درصد بوده، در سال ۶۴ به ۲۲-۲۱ درصد می رسد." (جمهوری اسلامی ۶۳/۱۲/۱)

سادگی مشهود است که در آمد مالیاتی دولت تنها در عرض یکسال از ربع در آمد کلی دولت به ثلث آن افزایش یافته است. جدول تفصیلی زیر، درآمدهای مالیاتی دولت را در فاصله سال های ۶۴-۵۷ نشان میدهد:

(جدول یک) (واحد: میلیارد ریال)

سال	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
کل درآمد مالیاتی	۴۷۰	۲۷۰	۲۴۰	۵۵۰	۶۱۰	۷۹۷	۸۷۳

این افزایش سرام آور مالیات ها را با تورم لجام گسیخته و ملج ثابت و نازل حقوق و درآمد توده ها اضافه کنید و آنگاه نتیجه بگیرید، افزایش مالیات ها، موج نارضایتی را در جامعه دامن زده است، بطوریکه نمایندگان مجلس و وزراء، در جلسات بحث بر سر لایحه بودجه سال ۶۴، بارها و بکرات نسبت به عواقب آن هشدار دادند:

"به محدودیت درآمدهای مالیاتی چه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کمتر توجه داریم. درآمدهای مالیاتی چیزی نیست که بشود یکمرتبه چند برابر.... درآمدهای مالیاتی ما در سال ۵۹ فقط ۲۴ میلیارد تومان است و آن رقم در سال ۶۲ به ۷۹ میلیارد تومان رسید." (جمهوری اسلامی - ۶۳/۱۲/۶)

آنچه در بطور بالا آمد، افزایش بی رویه درآمدهای مالیاتی دولت بود، اما علق سیاست ضد مردمی و بی عدالتی نهفته در سیاست مالیاتی دولت را باید در این جست که چه کسانی عملاً باید بار ستاین پرداخت این مالیات ها را به دوش کشند و تقبل کنند.

(جدول دو) (واحد: میلیارد ریال)

سال	مالیات های مستقیم	مالیات های غیر مستقیم
۵۷	۲۷۰	۲۰۰
۵۸	۲۳۰	۱۴۰
۵۹	۱۳۰	۲۱۰
۶۰	۲۲۰	۲۳۰
۶۱	۲۹۰	۲۲۰
۶۲	۲۲۷	۴۴۰
۶۳	۵۱۷	۶۱۳

همچنانکه در فوق اشاره شد، سیاست مالیاتی دولت، تماماً برپایان توده ها و به سود بخش خصوصی

از رویدادهای ایران

شرط جمهوری اسلامی برای شرکت در جلسات شورای امنیت

میرحسین موسوی، نخست‌وزیر، در مصاحبه‌ای که در روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت به عمل آورد گفت اگر شورای امنیت تجاوز عراق را بپذیرد، مادر این شورا شرکت خواهیم جست. وی هم چنین گفت: سازمان ملل و شورای امنیت (با محکوم کردن کاربرد سلاحهای شیمیایی) برای اولین بار به مساله جنگ، واقع بینانه برخورد کرده‌اند که این برای ما کافی نیست و لازم است واقع بینانی بیشتری بکار ببرند. در کل شرکت ما در شورای امنیت مشروط به پذیرش واقعیت‌های جنگ است.

وی در این مصاحبه در مورد کشورهای عضو شورای همکاریهای خلیج گفت که با برخی از آنها روابط دوستانه داریم.

وزیر امور خارجه عربستان هم به تهران رفت

صبح روز شنبه ۲۸ اردیبهشت، شاهزاده سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی برای یک دیدار دو روزه وارد تهران شد و در فردگاه مهرآباد مورد استقبال گرم ولایتی و چند تن دیگر از مقامات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی قرار گرفت. شاهزاده سعود الفیصل، به منکام ورود به تهران گفت: "من به دعوت آقای ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، برای گفت‌وود زمینه مسائل مورد علاقه دو کشور به ایران آمده‌ام. ایران و عربستان دو همسایه با علایق و روابط تاریخی هستند و این دو همسایه باید مسائل مبتلابه را به خوبی و به طور مرتب بررسی کنند." وی همچنین در مورد هدف از این سفر اظهار داشت مسائلی که در این دیدار مورد بحث قرار می‌گیرد. مسائل مورد توجه دو کشور بویژه روابط دو جانبه و اوضاع منطقه است.

مذاکره در مورد جنگ ایران و عراق و مناسبات فیما بین جمهوری اسلامی و دولت پادشاهی سعودی مهمترین دستور کار دیدار شاهزاده سعود الفیصل با مقامات حکومت ایران است.

همه ناظرین سیاسی برای سفر وزیر امور خارجه عربستان به ایران اهمیت فوق العاده‌ای قایل هستند.

سفر یک هیات اقتصادی به ترکیه

سه شنبه هفته گذشته یک هیات اقتصادی جمهوری اسلامی به سرپرستی محمد عاصمی‌پور، مشاور نخست‌وزیر، وارد ترکیه شد. این هیات در آنکارا پروتکلی را به امضا رساند که بر مبنای آن به زودی کاربروی پروژه احداث خط لوله نفت و گاز ایران از طریق خاک ترکیه آغاز خواهد شد. توافق بر روی این پروژه در سفر بهمن ماه سال گذشته میرحسین موسوی به آنکارا، بین مقامات دو کشور، حاصل شده بود.

مصاحبه رئیس ساواک ج.ا.ی با کیهان

روزنامه کیهان در شماره یکشنبه ۱۵ اردیبهشت خود مصاحبه‌ای با ری شهری، رئیس ساواک جمهوری اسلامی (وزارت اطلاعات) به عمل آورده که در آن ری شهری به مسائلی همچون تشکیلات وزارت اطلاعات، دفاتر اطلاعاتی در زندانها و مساله تقاضای بازگشت عده‌ای از مقامات فراری رژیم به کشور، پرداخته است.

ری شهری در این مصاحبه در پاسخ به این سوال که وضعیت سازماندهی وزارت اطلاعات در چه مرحله‌ای قرار دارد گفت: "در این مدت کوتاهی که از عمر این وزارت خانه نوبا می‌گذرد، بیشترین وقت و فرصت مسئولین وزارتخانه و شاید ۹۰ درصد اوقات، صرف سازماندهی آن شده است. از همان ابتدا که مسولیت این وزارتخانه به عهده ما گذاشته شد کمیته‌ای در جنب کمیته‌های مختلفی که برای سازماندهی این وزارتخانه تشکیل شد، تحت عنوان کمیته سازماندهی شکل گرفت که بعدها در چارت تشکیلاتی تبدیل شد به مدیریت طرح و برنامه. کمیته سازماندهی یا مدیریت طرح و برنامه وظیفه‌اش این است که با استفاده از افراد متخصص و افرادی که در این چند سال گذشته در ارگانهای اطلاعاتی کشور خدمت کرده‌اند و تجربه‌هایی در رابطه با سازماندهی پیدا کرده‌اند، برنامه‌ریزی کند و شکل آینده وزارتخانه و شرح وظایف و آئین نامه‌های مدیریت و ادارات مختلف این وزارتخانه را مشخص کند."

وی در ادامه این موضوع گفت: "در حال حاضر بحمد الله، تقریباً و بلکه تحقیقات چارت تشکیلاتی وزارت اطلاعات در تهران و شهرستانها مشخص شده و معاونتها و ادارات کل این وزارتخانه تعیین شده و مدت کوتاه دیگری لازم است که تکمیل گردد." ری شهری در این مصاحبه در پاسخ به سوالی که

به وضعیت زندانها و زندانیان سیاسی بر می‌گشت گفت ساواک جمهوری اسلامی در هر زندان دفتری تاسیس کرده که وظیفه آن زیر نظر گرفتن زندانیان است. وی گفت اگر قرار باشد کسی آزاد گردد، باید این دفاتر با این امر موافق باشند.

در قسمت دیگری از این مصاحبه، خبرنگار کیهان از ری شهری پرسید: "اطلاع داریم که برخی از کسانی که در ابتدای برپایی نظام جمهوری اسلامی در رده‌های مختلف فعالیت داشته و بعد به دلایلی به خارج از کشور فرار کرده‌اند، اظهار تمایل کرده‌اند که به کشور بازگردند. نظر شما در مورد چنین کسانی که اکنون علاقمند به بازگشت هستند چیست و با آنها چگونه برخورد خواهید کرد؟"

رئیس ساواک جمهوری اسلامی، در پاسخ به این سوال گفت که این گونه افراد "می‌توانند برگردند آغوش جمهوری اسلامی به روی آنها باز است. حتی توصیه می‌کنیم که برگردند. البته باید به شکلی باشد که اعتراف به خطا بکنند."

مجازات بی‌حجابی

حجت الاسلام موسوی یجنوردی عضو شورای عالی قضایی به مناسبت آغاز فصل گرما، به کسانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند شدیداً اخطار کرد. وی گفت: "تمام مراجع قضایی، دادگاهها در سراسر کشور و همچنین دادرها، عمومی موظف هستند که اگر نیروهای انتظامی با یک متخلفی که رعایت عفت عمومی را نکرده برخورد کردند، با قاطعیت طبق قوانین مدون به آنها برخورد بکنند. طبق ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات آنجا تصریح می‌کند تا ۷۴ ضربه تلاق می‌شود او را تلاق زد. در بعضی موارد از ۶ ماه تا ۲ سال حبس در بعضی از موارد از ۲ سال تا ۱۰ سال، در بعضی موارد به عنوان مفسد فی الارض، کیفر مفسد فی الارض را دارد که همان حکم اعدام است."



رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی مجلس: "من معتقدم که مسکن به طور نسبی در حد نیاز عادی وجود دارد!"

تهران را (در جاده مخصوص کرج) خریداری کرده و در آنها به خوشگذرانی مشغولند. این ضد انقلابیون در کمیته و بسیج هم کار می کنند. مردم محل از این وضعیت خشمگین هستند.

اعتصاب کارگران افغانی

شرکت آرام که یکی از پیمانکاران شهرک اکباتان است به مدت ۵۰ روز از پرداخت دستمزد کارگران و استادکاران سرباز زد. کارگران ساده این شرکت همگی افغانی هستند. آنها در اسفند ماه برای کسب دستمزدهای معوقه دست به اعتصاب زدند و کمی بعد استادکاران ایرانی نیز به آنها ملحق شدند. کار فرما که در آغاز میخواست کارگران افغانی را دسته جمعی اخراج نماید پس از پیوستن استادکاران به اعتصاب ناگزیر به عقب نشینی شد و خواسته آنان را پذیرفت.

درگیری مسلحانه در بلوچستان

در منطقه فنوج در بلوچستان چندی پیش زد و خورد سنگینی میان گروهی از مردم بلوچ و نفرات مسلح سپاه پاسداران در گرفت. در این درگیری که مدتی به درازا کشید پاسداران متحمل تلفات سنگینی شدند. رقم تلفات آنها تا هشت نفر برآورد شده است. علاوه بر آن یکی از خودروهای سپاه نیز منهدم شد.

دانش آموزان علیه رژیم

تهران- در مدارس کشور از نمره انقلاب تا دانش آموزانی که در سرفه شعارهای ارتجاعی را تکرار نکنند و یا فرم لباسیانشان مطابق الگوی مورد نظر مسئولین آموزش و پرورش نباشد، کاسته می شود. با وجود اینکه نمره انقلاب برای قبولی در کنکور اهمیت بسیاری دارد، دانش آموزان تسلیم خواسته های ارتجاعی مقامات نمی شوند. مثلاً نمره انضباطی اول همه دانش آموزان مدارس و رشته ها و مطهری واقع در منطقه ۱۲ (مرکز تهران) کمتر از ۱۲ بوده است. تنها به اعضا انجمن اسلامی نمرات بالا تعلق گرفت. در برابر اعتراض اولیا این دانش آموزان پاسخ دادند که هرگاه فرزندانمان "شاعر اسلامی" را رعات نمایند، نمره انضباطی اول اصلاح خواهد شد.

در همین مدرسه مطهری بود که چند ماه قبل عده ای از دانش آموزان را برای، تعلیمات مذهبی به بهشت زهرا برده و وادار کرده بودند در قبرها دراز بکشند که منجر به شوکه شدن تعدادی از آنان شده بود. شکایت والدین دانش آموزان به مقامات قضایی در اعتراض به این اقدام، تاکنون هیچ نتیجه ای ببار نیاورده است.

مجازات زندان بخاطر نوشتن انشا

میناب- در یکی از دبیرستانهای شهر میناب دانش آموزی انشائی با عنوان "اجتماع" نوشته و در کلاس میخواند. از آنجا که مطالب نوشته شده در قالب نقرات رسمی و ارتجاعی چنانی گرفت، سپاه پاسداران این دانش آموز نوجوان را دستگیر و زندانی ساخت.



پیروزی کارگران مبارز

کارگران کارخانه آکام فلز پس از ماهها مبارزه، توانستند شرایط مورد نظر خود را برای طبقه بندی مشاغل به مدیریت و وزارت کار تحمیل نمایند. کارگران این کارخانه در عین حال نسبت به نحوه پرداخت حق بهره وری معترضند.

محدودیت تازه برای تعاونی های صنوف

در ادامه فشار به تشکل های کارگری، چندی پیش وزارت کار طی بخشنامه ای اعلام داشت که تعاونی های صنوف اگر مطابق نظر مسئولین حق بیمه نپردازند اجازه ادامه کار نخواهند داشت. بدنبال صدور این بخشنامه، در تبریز نمایندگان تعاونی های فلزکاران، خانه سازان، نقاشان، خیاطان، قالی بافان، چرمسازان و کفاشان گرد آمده و ضمن محکوم ساختن این تصمیمات ضد کارگری به تبادل نظر پیرامون چگونگی مقابله با آن پرداختند.

آیا بلندگو خراب بود؟

در مراسم فرمایشی اول ماه محرم در ورزشگاه آزادی در حین سخنرانی خامنه ای کارگران شروع به همهمه کردند. در جواب مسئولین انتظامات و اعضا انجمن اسلامی که علت آن را می پرسیدند، پاسخ دادند که صدای بلندگو ضعیف است! گویا این خبر به خامنه ای هم رسانده شد و او از پشت تریبون اعلام داشت هر کس صدایم را نمی شنود از جایش برخیزد که همه برخاستند. نفرات انجمن اسلامی که به شدت عصبانی شده بودند خطاب به کارگران گفتند اگر بلندگو خراب است چطور این حرف رئیس جمهور را شنیدید! در حین سخنرانی خامنه ای بسیاری از کارگران ورزشگاه را ترک کردند. مسئولین برای جلوگیری از این کار در وسط مراسم درهای خروجی را قفل کردند.

رژیم خمینی: زمین از آن فتودالهاست

کشزارهای روستای یوسف آباد تبریز که در جریان انقلاب توسط کشاورزان مصادره شده بود اخیراً به مجتهدی، فتودال سابق این روستا مسترد گردید. دهقانان در اعتراض به این اقدام به همه مقامات مراجعه نمودند ولی پاسخ شنیدند که زمین شرعاً حق مجتهدی است و شما هیچ حقوقی ندارید.

ولخرجی های اشرار افغانی در تهران

سرکرده های اشرار افغانی که از محل "کمک" های آمریکا و فروش مواد مخدر میلیونی شده اند در تهران دم و دستگاه عریض و طویلی برای خود برپا نموده اند. آنها تعدادی از باغ های منطقه شیر پاستوریزه

انفجار بمب در خیابان ناصر خسرو

صبح روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت بمبی در خیابان ناصر خسرو منفجر شد که بر اثر آن حداقل ۵ نفر کشته و ۵۰ نفر زخمی شدند. دو روز بعد اعلام شد که این اقدام جنایتکارانه کار شاهپرستانی است که برای عراق نیز مزدوری می کنند.

تدریس دروس نظامی در مدارس

از سال آینده یک واحد درسی تازه به دروس دانش آموزان اضافه میشود. این واحد درسی تازه، دروس تئوری و عملی نظامی است. این موضوع را رحمانی مسئول بسیج سپاه پاسداران در سیناری در زاهدان اعلام کرد. وی گفت در این امور با وزارت آموزش و پرورش هماهنگی به عمل آمده است. دانش آموزان یکی از مهمترین منابع تامین نیروی انسانی برای رژیم، به منظور فرستادن به کام عفریت جنگ هستند.

تصویب قانون محاسبات عمومی

در جلسه ۱۹ اردیبهشت ماه مجلس، نمایندگان کلیات طرح محاسبات عمومی کشور را تصویب کردند. در این جلسه ابتدا میر حسین موسوی، نخست وزیر، توضیحاتی در رابطه با این طرح داد و گفت: "وزرا هیچکدام با این طرح موافق نیستند و نظام اجرایی کشور، اجرای این طرح را برای کشور یک فاجعه میدانند."

قانون محاسبات عمومی، با این قصد تنظیم شده است که بر دشتهای دولت را از خزانه تحت کنترل در آورد. میر حسین موسوی در جلسه تصویب این قانون اظهار داشت: "اکثر فکر می کنید با پیچیده تر کردن قانون ما می توانیم جلوی دزدی و ارتشا را بگیریم، من فکر می کنم این اشتباه است." وی اضافه کرد "متجاوز از ۶۰ گزارش در دیوان محاسبات داریم که اینها حاکمی از تخلف مالی است که صورت گرفته، که ما بعد از هزینه کنترل کردیم، حالا ما چقدر افراد را بخواهیم و به پای میز محاکمه بفرستیم."

چند خبر کوتاه

- روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت حجت الاسلام ری شهری رئیس ساواک جمهوری، اسلامی به جماران رفت و با خمینی ملاقات کرد. وی در این ملاقات گزارشی از وضعیت، عملکرد و مسائل ساواک جمهوری اسلامی را به اطلاع خمینی رساند.

- جماران تا آخر ماه رمضان تعطیل است. در روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت رئیس دفتر خمینی اعلام کرد که آیت الله خمینی تا آخر ماه رمضان دیدار نخواهد داشت و سخنرانی نخواهد کرد.

- روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت، کاردار جدید فرانسه در تهران با ولایتی وزیر امور خارجه دیدار کرد. در این دیدار ولایتی بر روی علاقه جمهوری اسلامی به تحکیم روابط خود با فرانسه تاکید نمود.

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

کارگران! در روز اول ماه مه، این خجسته روز همبستگی، صفوف خود را هر چه فشرده تر کنید و پیکار در راه خواستهای حقه اقتصادی و اجتماعی‌تان، در راه دستمزد بیشتر، توقف اخراج کارگران، مسکن برای زحمتکشان و در راه قانون مترقی کار و سازمانهای مستقل کارگری را گسترش بخشید. عزم خود را یگانه تر سازید و صدای اعتراض خود را علیه ارتجاع حاکم، علیه جنگ و استبداد، علیه وابستگی و غارت بی بند و بار سرمایه داری رسانر کنید!

رنجبران ایران!
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران است.
سازمان ما مدافع پیگیر حقوق و منافع بنیادی و مبارزه خستگی ناپذیر راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است. به صفوف سازمان ما بپیوندید...
زنده باد جنبش کارگری ایران!
در اعتراض باد پرچم طفر نمون سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)!

* بریده دو گزارش تبلیغی:
- "در روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند در منطقه بازار امیر اکرم و پیچ شیران در ۳ حرکت متوالی تعداد ۲۰۰۰ اعلامیه در مورد صلح، شهادت رفقا در زندان و بخش‌هایی از اسناد پلنوم، پخش کردیم."
- "... ما دو حرکت داشته‌ایم، یکی روز ۲۹ اسفند و دیگری روز ۶ فروردین. هر دو با موتور سیکلت و در صفهای طولیل اتوبوس که گاهی طول آن به ۲۰۰ متر هم می‌رسید، انجام شده است. اوراقی که به این شکل پخش شد یکی اعلامیه‌ای بود علیه جنگ و دیگری تراکتی با همین مضمون که خودمان تهیه کرده بودیم. در بالای این تراکت گل سازمان نقش شده بود و جمله سال نو مبارک را هم نوشته بودیم. از تراکت و اعلامیه هر یک ۵۰۰ عدد پخش شد."

* "... در اوایل اردیبهشت ماه یک تراکت

تبلیغات هم چنان گسترش می‌یابد. بر دیوارهای شهر شعارهای تازه ای جلوه می‌کنند. شینامه‌ها آتش در دل ظلمت می‌افکنند "کار" دست به دست می‌گردد و رهنمون فتح قله‌های امروز و فردا می‌شود.
ارتجاع چنان کرکی تیر خورده زوزه می‌کشد. عسرها چونان کله‌های تازیان در خیابانها و کوچه‌ها این سو و آن سو می‌روند. اما ارتجاع می‌رنده است، ارتجاع می‌میرد، ارتجاع دارد می‌میرد. این را اعلامیه‌ای که بر روی دیوار شعله ور است می‌گوید، این را شینامه‌ای که در تاریکی چونان شجره‌ای درخشان است می‌گوید، این را فداییان دلیر و دیگر انقلابیون رزمنده‌ای که مشعل آگاهی و نبرد را فرورزانت و فروزانت می‌سازند، می‌گویند، این سخن را، این حکم را، این حقیقت تابناک را مردم می‌گویند.
فداییان این سخن را، این حکم را، این حقیقت تابناک را بازتاب می‌دهند، آن را بر دیوارها، و بر اعلامیه‌ها می‌نگارند، تکرار می‌کنند، تکرار می‌کنند و تکرار می‌کنند، تا نیر و بخشد، از رزم مردم نیرو می‌گیرند و نیرو می‌شوند تا به همت خلق، این حکم تاریخ، این حقیقت تردید ناپذیر، تحقق یابد.
به گوشه‌هایی از تلاش خستگی ناپذیر رفقایمان نظر می‌افکنیم:

تهران

* همزمان با اوج گرفتن حمله به مناطق مسکونی تراکتهای زیر از سوی هواداران سازمان در شرق تهران تهیه و در سطح وسیعی پخش شد:

جنگ باید بیدارنگ پایاں یابد!
مردم مبارز تهران!
سران غاش و جنگ طلب جمهوری اسلامی، بخاطر مناصد ارتجاع‌پسندان، شلوارم تهرانی رستمیده نهان و دیگر شرهای جهنم‌انرا را فراری می‌کنند. متحد شوید و فریاد مرگ بر جنگ، زنده باد صلح را هر کوبه و پیکان و پشت‌بام هر خانه طنین انداز سازید.
مرداران فدائیان خلق (اکثريت) - شرق تهران
۱۳۶۴/۵

جنگ باید بی درنگ پایاں یابد!
بسیاران مناطق مسکونی ایران و عراق مسکرم است.
مردم مبارز!
حاکم مروج جمهوری اسلامی، دست در دهان این جنگ و کشتار گسترده می‌زداید و مردمی که در خون و آتش می‌سوزند را به جبهه‌های مرگ می‌فرستد. متحد شوید و فریاد مرگ بر جنگ و زنده باد صلح را به هر کوبه و پیکان و پشت‌بام هر خانه طنین انداز سازید.
مرداران فدائیان خلق (اکثريت) - شرق تهران
۱۳۶۴/۵

* از سوی واحدی از فعالین سازمان در تهران، اعلامیه‌ای به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر انتشار یافت و در مناطق زحمتکش نشین و کارخانه‌ها به صورت وسیعی پخش گردید:

کارگران و زحمتکشان!

اول ماه مه روز نمایش اتحاد و همبستگی خلل‌ناپذیر کارگران همه کشورهاست در این روز توده‌های میلیاردي زحمتکشان جهان، اراده واحد خود را در مبارزه به خاطر صلح، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، با برگزاری نمایش‌های عظیم توده‌ای ابراز می‌کنند.

اما در کشور ما ارتجاع حاکم مدتهاست حتی حق پدیده‌ی تعطیلی این روز را هم از کارگران سلب کرده است. از نظر حکومت مدافع سرمایه داران، کارگران در این روز باید هر چه بیشتر استثمار شوند، چنین است ارمغان

زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) هموطنان!
سازمان فدائیان خلق ایران، به مناسبت روز اول ماه مه، اعلامیه‌ای را در میان کارگران و زحمتکشان پخش کرد. این اعلامیه، به خاطر مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند. این اعلامیه، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند که در روز اول ماه مه، با برگزاری تظاهرات و پخش اعلامیه، به مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، اقدام کنند.
مردمان ایران!
مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند. این اعلامیه، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند که در روز اول ماه مه، با برگزاری تظاهرات و پخش اعلامیه، به مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، اقدام کنند.
مردمان ایران!
مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند. این اعلامیه، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند که در روز اول ماه مه، با برگزاری تظاهرات و پخش اعلامیه، به مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، اقدام کنند.

مردمان ایران!
مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند. این اعلامیه، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند که در روز اول ماه مه، با برگزاری تظاهرات و پخش اعلامیه، به مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، اقدام کنند.
مردمان ایران!
مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند. این اعلامیه، به کارگران و زحمتکشان توصیه می‌کند که در روز اول ماه مه، با برگزاری تظاهرات و پخش اعلامیه، به مبارزه با جنگ و برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، اقدام کنند.

* آنچه که در بالای می‌بینید کلیشه یک تراکت و یک اعلامیه است که از سوی یک واحد تبلیغ در سطح وسیعی پخش شده است. تراکت به مناسبت سالگرد انقلاب و سالگرد بنیانگذاری سازمان انتشار یافته و در اعلامیه، پیام پلنوم مهرماه ۶۲ کمیته مرکزی سازمان، درج شده است.

سازمان در دبیرستان پیشاهنگ بر روی دیوار نصب شد. دانش آموزان گرد آن جمع شدند. اعضای انجمن اسلامی سراسیمه آمده و آنرا کردند. موضوع را به کمیته اطلاع دادند. بازجویی و تفتیش مفصلی به عمل آمد.

اکنون اعضای انجمن اسلامی به دقت همه جا را می پابند. حتی برای جلوگیری از شعار نویسی برای دستشویی هائیز نگهبان گذاشته اند.

چسباندن تراکت بر روی دیوار انعکاس زیادی در میان همه دانش آموزان یافت.

* "... در دبیرستان دخترانه ارشاد، در روز ۱۱ اردیبهشت هواداران سازمان حدود ۱۲۰ اعلامیه اول ماه مه را در حین تعطیل مدرسه از پنجره یکی از کلاسها به خیابان ریختند. دانش آموزان اعلامیه ها را از دست یکدیگر می گرفتند و بلند بلند می خواندند. پس از مدت کوتاهی گشت کمیته سر رسید. ماشین اول که آمد بای سیم ماشین دیگری رانیز خبر کردند.

پاسدارها به وسط بچه ها آمده و اعلامیه ها را از دست آنها گرفته و پاره می کردند. آنها از بچه ها بازجویی می کردند که اعلامیه ها از کجا ریخته شده. به داخل مدرسه رفته همه جا را گشتند و از معلمین نیز بازجویی کردند. هر کس به آنها یک جوابی می داد. بعضی ها می گفتند کار یک موتور سوار بوده است. جالب است که حتی پاسداران به انجمن اسلامی هائیز مشکوک شدند. علت آن بود که چند نفر از آنها دبیرتر از بقیه دانش آموزان از مدرسه خارج شده بودند.

* انعکاس پخش اعلامیه در میدان امام حسین:

"ساعت ۶/۵ غروب روز یکشنبه اول اسفند در میدان امام حسین ابتدای خیابان آستانه تعداد کثیری اعلامیه در رابطه با اعتصاب کارگری از سوی رفقا پخش شد. پخش از بالای یک ساختمان صورت گرفت.

مردم فوراً جمع شدند. عکس العملها به این ترتیب بود: بعضی با اشتیاق اعلامیه ها را برداشته و سریعاً در جیب گذاشته و دور می شدند، کسانی بودند که اعلامیه را می خواندند و به دیگران می دادند و یا دوباره روی زمین می انداختند، عده کمی نیز تا می دیدند اعلامیه است ترسیده و دور می شدند. جالب تر از همه عده ای بودند که فوراً مشغول بحث می شدند.

من کنار یک مغازه ایستاده بودم که مشرف به کل صحنه باشم. شنیدم که صاحب مغازه از کسی که فکر می کنم شاگردش بود پرسید: چه خبره؟ شاگردش جواب داد اعلامیه پخش کرده اند. صاحب مغازه پرسید اعلامیه چی؟ جواب شنید اعلامیه انقلابی! باز پرسید: مال کیه؟ شاگردش جواب داد انکار مال کارگر است، زیرش هم نوشته فدایی.

دقایقی چند نگذشته بود که دو پاسدار موتور سوار به محل پخش آمدند و شروع به پراکنده ساختن مردم و جمع آوری اعلامیه ها کردند. حالت شتابزده آنها که پشت سر هم دولا و راست می شدند تا اعلامیه ها را جمع کنند و در همان حال فحش می دادند و به مردم نهیب می زدند، صحنه خنده آوری را ایجاد کرده بود. ورود آنها به صحنه، جمعیت را پراکنده ساخت. در عوض عاملی شد که مردم بیشتری جمع

شوند. یک دستفروش با آب و تاب برای دیگران موضوع را تعریف می کرد. هر وقت که کسی از او می پرسید چی شده؟ او جریان را به یک شکل شرح می داد و هر بار با غلوه های بیشتری.

یک نفر با دیدن حالت ترسان شتابزده پاسداران رویه خود من کرد و گفت این ها چرا از چند تا کاغذ می ترسند؟ چرا اینطوری دچار هول و ولا شده اند؟ او سپس بلند بلند خندید.

چند دقیقه بعد از آمدن دو پاسدار سرو کله مامورین کلانتری و شهربانی منطقه پیدا شد. ماشین گشت کمیته هم که یک پیکان شخصی بود، کمی بعد سر رسیده آنها دو دسته شدند یک عده مردم را متفرق می کردند و بعضی ها را می گشتند تا اعلامیه ها را به دست آورند و دسته دیگر شروع به تحقیق از مغازه دارها و عابریین برای یافتن عاملین پخش اعلامیه کردند!

من به شکل طبیعی از محل دور شدم و به طرف خیابان انقلاب راه افتادم. در چهار راه نظام آباد هم اعلامیه ای را دیدم که یک نفر روی زمین انداخت و شخص دیگری آنرا برداشت.

شاهرود

* "در نقاط ورودی و خروجی شاهرود شعارهای سازمان علیه رژیم و علیه تداوم جنگ را با خنجر شکنی نوشتیم تا مدت ها مسافرینی که به ست مشهد می رفتند در هنگام ورود به شهر و خروج از آن، این شعارها را می دیدند."

اصفهان

همزمان با تشدید جنگ شهرها و حمله به مناطق مسکونی که در آن شهر اصفهان بارها شاهد مرگ و ویرانی بر اثر پافشاری ارتجاع بر روی تداوم جنگ بود، رفقای مادر این شهر در سطح وسیعی اقدام به شعار نویسی در رابطه با خواسته مبرم صلح و پخش تراکتها و اعلامیه هایی علیه جنگ نمودند. از جمله اعلامیه هایی که به صورت گسترده ای پخش شد، اعلامیه ای بود با عنوان "مباران شهرها و کشتار دسته جمعی مردم، نتیجه ادامه جنگ است."

در کارخانه های اصفهان نیز مقدار زیادی شعار نوشته شد و اعلامیه ها و تراکت های متعددی پخش گردید. شعار نویسی وسیع رفقا در مجتمع فولاد مبارکه انعکاس موثری در میان کارگران داشته است.

تبریز

بریده گزارشهای تبلیغی نمونه وار از چند هسته سازمانی:

* "... حجم پخش مادر دوماه گذشته افزایش بیشتری یافت که موارد آن به تفکیک به ترتیب زیر بود: - تکثیر "کار" از شماره ۱۰ به بعد هر یک ۴۰۰ عدد - پیام - پلنوم کمیته مرکزی سازمان که در ۲۰۰ نسخه تکثیر کردیم - پیام - پلنوم کمیته مرکزی سازمان به زندانیان سیاسی که در ۲۵۰ نسخه تایپ و تکثیر کردیم - شابلون تعدادی از شعارها را تهیه کرده ایم که در شعار نویسی از آنها استفاده می کنیم.

- ۸۲۰ عدد تراکت از چند شعار تهیه و پخش کردیم - به مناسبت ۲۲ بهمن، از نشریه کار شماره ۱۲، مقاله گرامی باد ششیم سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن را تایپ و به تعداد ۲۰۰ عدد تکثیر و در نقاط موثری پخش کردیم.

- ۵۰۰ اعلامیه ای که در رابطه با زندگی و رزم رفیق شهید منصور پورچم تکثیر کردیم در روزهای نهم و دهم اسفند ماه، در نقاط مرکزی شهر تبریز پخش کردیم...

* "در روز یکشنبه ۱۲/۱۲/۶۳ ساعت ۵/۴۵ عصر از بالای ساختمان ۱۱ طبقه برلیان واقع در سه راه امین نرسیده به میدان کورش، یک بسته اعلامیه توسط رفقا به میان خیابان پخش شد. اعلامیه ها، تکثیر شده سه مقاله از نشریه کار شماره ۱۲ بودند.

یک رفیق حاضر در صحنه گزارش داد که پس از پخش اعلامیه ها از بالای ساختمان، مردم برای گرفتن آنها هجوم آوردند. ناگهان سرو کله دو نفر پاسدار که لباس شخصی داشتند پیدا شد، آنها تلاش کردند مردم به اعلامیه دست نزنند ولی موفق نشدند. پس از چند دقیقه ۲ ماشین گشت تارال سه سراسیمه به این منطقه آمد و ساختمان و محوطه اطراف آنرا تحت کنترل گرفت. مردم به این طرف و آن طرف دویدند پاسداران پوزخند می زدند، تنها تعداد کمی از اعلامیه ها به چنگ پاسداران افتاد. بیشتر اعلامیه ها را مردم بردند."

* "... به مناسبت ۱۷ اسفند روز جهانی زن، مقاله مربوط به این روز را از کار شماره ۱۲ انتخاب کرده و همراه با تراکت تصویر داری که خودمان تهیه کردیم، از هر کدام ۴۵۰ عدد تکثیر نمودیم..."

"... در مسیرهای زیر اعلامیه پخش شد و در فرصت مناسب در نقاط موثر این مسیرها شعار نویسی انجام شد:

خیابان عباسی - یوسف آباد - باغش - سیلاب - شمس تبریزی و سه راه - کوچه ایده لی و چوبلی دره (بازارچه سیلاب) - خیابان خمینی - چهارراه منصور - مارالان - شککلان - سرلک تا چهارراه طالقانی (چرنداب) - کوی ولی عصر - دروازه تهران - خیابان حافظ - چهار راه آبرسان و خیابان آبرسان - پیکر - شهید جدیری

تعداد شعارهای نوشته شده ۶۴ عدد می باشد.

"... در این نقاط با اسپری شعار نوشته شد: ۱ - جلوی مدرسه منصوری ۲ - خیابان سرلک ۳ - خیابان آبرسان ۴ - جلوی هنرستان معمار ۵ - مدرسه امیر خیزی ۶ - خیابان ولی عصر.

این شعار عمدتاً در رابطه با صلح و همچنین دعوت مردم به مبارزه علیه ارتجاع حاکم بود."

مسجد سلیمان

* "در کارخانه تانک سازی مسجد سلیمان شعارهای سازمان علیه جنگ نوشته شد. همه کارگران از این موضوع مطلع شدند. مسئولین سیاسی - ایدئولوژیک آمدند و از شعارها فیلمبرداری کردند. خبر چنین ها به شدت همه جا را زیر نظر دارند."

خیانتها و فضاحت‌های رژیم در مراجع حقوقی بین‌المللی

بقیه از صفحه اول

در این شماره ضمن مروری بر سوابق دعوی ایران و فرانسه بر سر این وام، به چگونگی حل و فصل خیانت بار دعوی مطروحه در دادگاه لاهه و روش کار بغایت فضاحت‌بار جمهوری اسلامی در آنجا می‌پردازیم. این بررسی نشان خواهد داد که دعوی ایران در اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس به چه شیوه‌ای و به دست چه کسانی پیش برده خواهد شد.

قضیه وام یک میلیارد دلاری

به فرانسه چیست؟

از جمله قراردادهای اسارت‌باری که رژیم سرسپرده‌شاه با اربابان خود منعقد کرده بود قراردادهایی هستند که به اصطلاح، "قراردادهای مشارکت" نامیده میشوند. قرارداد ۲۲ فوریه ۱۹۷۵ با دولت فرانسه از زمره این قراردادهاست. رژیم شاه بر مبنای این قرارداد یک میلیارد دلار وام در اختیار کمیسیاریای انرژی اتمی فرانسه گذاشت. شاه در این حاتم بخشی علاوه بر خدمت به امپریالیسم دستیابی به اورانیوم غنی شده و دیگر امکانات لازم برای ساختن سلاح هسته‌ای برای ایفای کاملتر نقش ژاندارمی در منطقه، را نیز جستجو میکرد.

قراردادی که مطابق آن یک میلیارد دلار سرمایه ایران تحت عنوان وام در اختیار شرکت انرژی اتمی اروپائی (ارودیف) گذاشته شد، نمونه کامل یک قرارداد بر اساس نابرابری طرفین است. رژیم شاه طی آن متعهد شده بود همه ریسکها و خطرات و زیانهای کارکرد ارودیف را بپذیرد. طرف ایرانی علاوه بر این متعهد شده بود که هرگاه تولیدات این شرکت به تشخیص گردانندگان آن، بدون مشتری بماند آنرا به قیمت تعیین شده خریداری نماید. قیمت تعیین شده در هنگام عقد قرارداد به مراتب بالاتر از نرخ رایج در سطح جهانی بود.

قرارداد با ارودیف به مثابه یک قرارداد ثالمانه با انحصارات امپریالیستی میبایست پس از انقلاب مورد بازبینی قرار گرفته و نسبت به آن با توجه به منافع ملی تصمیم‌گیری می‌شد. اما رژیم جمهوری اسلامی تا مدت‌ها این قضیه را مسکوت گذاشت. در این رابطه تنها به تعدادی چک و چانه‌زندهای بی‌حاصل با مقامات فرانسوی بسنده کردند، چک و چانه‌زندهایی که تقریباً درجایی بازتاب نمی‌یافت. تنها در مواقعی که کدورت روابط سیاسی میان رژیم جمهوری اسلامی و دولت فرانسه شدت می‌گرفت، این قضیه به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغات سیاسی پیش کشیده می‌شد. شرکت فرانسوی درست و حسابی یک میلیارد دلار وام دولت ایران را بالا کشیده بود و به کسی هم جواب پس نمی‌داد.

دولت فرانسه یک میلیارد دلار طلب ایران را در حکم گروگانی تلقی میکرد که با آن بتواند شرایط دلخواه خود را به مقامات ایرانی دیکته کند. هرچه که گذشت امیدواری مقامات فرانسوی و مسئولین شرکت ارودیف افزایش یافت. تاکنون که دولت ایران در کمال خواری و ذلت پذیرفته است بررسی

مطالبات معوقه از بابت این قرارداد در محاکم فرانسوی و طبق شرایط مورد نظر آنها صورت پذیرد و نتیجه آن به برخی از گره‌گامهای سیاسی در مناسبات قیامیین مشروط‌شود. در پی این تحولات خیانت‌بار است که در سه‌چهار ماه اخیر رژیم سروصداهایی را پیرامون این وام برانگیخته است. اما همانگونه که رسانه‌های امپریالیستی نیز معترفند رژیم جمهوری برای جلب عنایات امپریالیستهای فرانسوی در زمینه‌های گوناگون از جمله در زمینه جنگ و در زمینه اعمال فشار به برخی نیروهای سیاسی مخالف مستقر در فرانسه حاضر است هرگونه دست و دلبازی را از خود نشان دهد، به همان ترتیب که در لاهه برای جلب نظر امپریالیستهای آمریکائی آنگونه بر سرمایه‌های ارزی، کشور چوب حراج زده‌اند.

گام بلند رژیم جمهوری اسلامی در این راستا، مصوبه هیات دولت در تاریخ ۶۲/۹/۱۲ بود که طی آن این شرط دولت فرانسه پذیرفته شد که داوری در مورد استرداد وام یک میلیارد دلاری ایران را اتاق بازرگانی بین‌المللی عهده‌دار شود.

بر سر ۱۴ میلیارد دلار داریابی‌های

بلوکه شده ایران در آمریکا چه آمد؟

بر سر یک میلیارد دلار طلب ایران از فرانسه همان خواهد آمد که بر سر دعوی مالی ایران علیه آمریکا و خاندان منفور پهلوی آمد. رژیم اکتون به شدت از انتشار خبرهای مربوط به دادگاه لاهه که مرجع رسیدگی به این دعوی است، خودداری می‌کند تا مردم به عیق خیانتی که مرتکب شده‌اند، پی نبرند. اما همان چیزهایی که جسته و گریخته انتشار یافته است، برای روشن شدن برخی از ابعاد این خیانت کافی است.

در موافقتنامه الجزایر با آمریکا تصمیماتی نیز راجع به داریابی‌های بلوکه شده ایران که بانک مرکزی میزان آنرا ۱۴ میلیارد دلار اعلام کرده بود، اتخاذ شد. و در پی آن از این مبلغ هنگفت تنها ۲/۷ میلیارد دلار به حساب بانک مرکزی واریز شد بقیه پایمال گردید. از جمله ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به علت دعوی مالی بین ایران و آمریکا همچنان مسدود ماند و ۶ میلیارد دلار برای نشان دادن خوش حسابی جمهوری اسلامی بابت وامهایی که هنوز سررسید آنها فرانسیده بود، تقدیم آمریکا گشت.

این ۶ میلیارد دلار، تنها یک قلم از "خوش‌حسابی" ما ویدل و بخش‌های رژیم است که پرداخت آن در حکم برداشتن "گام حسن‌نیت" بود. در گامهای بعدی رژیم خیانت پیش‌کنی خود را آشکارتر ساخت.

دادگاه لاهه

مرجعی که به عنوان داوری در مورد دعوی حقوقی بین ایران و آمریکا بدنبال توافقنامه الجزایر برگزیده شد، دادگاه لاهه است. دو کشور تا دی ماه سال ۱۳۶۰ فرصت داشتند دعوی خود را

علیه یکدیگر در این دادگاه مطرح سازند. به گفته منوچهر محمدی معاون نخست‌وزیر و سرپرست آن هنگام دفتر خدمات حقوق بین‌المللی تا آن تاریخ ۶۰ هزار مورد دعوی علیه ایران به این دادگاه ارجاع داده شد که مبلغی متجاوز از ۶۵ میلیارد دلار را شامل می‌گشت. (اطلاعات اسفند ۱۳۶۱). به نوشته روزنامه کیهان ۲۹ اردیبهشت ۶۲ در حال حاضر این دادگاه ۲۶۰ مورد از این دعوی‌های رایگیری می‌کند. مبلغ درخواستی در این ۲۶۰ مورد دعوی، ۱۵ میلیارد دلار است. رژیم ایران نیز ۴۷۰ دعوی با مبلغی حدود ۲۰ میلیارد دلار را در این دادگاه مطرح ساخته است.

اما تاکنون حاصل چه بوده است؟ همین شماره کیهان حاصل کار را تا پایان سال ۶۲ چنین جمع‌بندی می‌کند: "تا این تاریخ به ۱۱۲ پرونده رسیدگی شده که حاصل آن پرداخت ۱۶۰ میلیون دلار طی ۶۴ رای سازشی از جانب ایران به آمریکا و نیز محکومیت ایران به پرداخت ۲۷ میلیون دلار دیگر، طی ۲۴ رای بر اساس مصالحه و سازش به آمریکا بوده است. دولت آمریکا نیز طی دورای محکوم به پرداخت ۲۱۵ هزار دلار به ایران شده است."

لازم به یادآوری است که صدور اینگونه احکام محکومیت توسط دادگاه لاهه در همه ۱۴ ماه اخیر نیز ادامه یافته و شدت گرفته است. دولت ایران هم بلافاصله پس از صدور هر حکم غرامت تعیین شده را تمام و کمال می‌پردازد. اینک مجموعه غرامت پرداختی به شرکتهای آمریکائی رقی به مراتب افزونتر از رقی است که در پایان سال ۶۲ ارائه کرده بودند.

هم چنین باید خاطر نشان کرد که طبق مفاد بیانیه الجزایر دولت ایران حسابی با سرمایه یک میلیارد دلار مخصوص اعاده غرامتها افتتاح کرده است. از اینرو احکام صادره در لاهه به طور خودبخودی به اجرا در می‌آید و غرامت مقرر شده بلافاصله از حساب ایران برداشت می‌شود. در پی آن دولت ایران طبق همان قرارداد الجزایر موظف است معادل مبلغ برداشت شده یکبار دیگر به همان حساب واریز کند، بگونه‌ای که مجموعه سپرده ایران در آن هیچگاه از مبلغ معینی کمتر نشود. در عوض برای دریافت غرامت‌های ناچیز مقرر شده از آمریکا هیچ تضمینی ندارد. از اینرو احکام صادره از سوی آمریکا لازم الاجرائ نیست. شرکت‌های آمریکائی می‌توانند با بهره‌گیری از کش و قوس‌های حقوقی پرداخت آنرا تا هر زمانیکه بخواهند به تعویق اندازند.

در اینجا لازم است متذکر شویم که تاراج سرمایه‌های ملی تنها از طریق دادگاه لاهه صورت نمی‌گیرد. توافقی‌هایی نیز خارج از دادگاه صورت می‌گیرد که رژیم مطلقاً از آنها سخن به میان نمی‌آورد. دادگاه لاهه مطابق با توافقی‌هایی که بعد از

امضای موافقتنامه الجزایر صورت گرفت، به مساله استرداد اموال خاندان پهلوی در خارج از کشور نیز رسیدگی می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز فضاحت‌های بسیاری بار آورده است، مسئولین رسیدگی به این مساله هنوز حتی از میزان دارایی خانواده پهلوی در خارج از کشور، برآورد مشخصی

وضعیت آن شده است که دعای ایران در دادگاه لاهه، در آخرین فرصتهای تعیین شده و بابت از پایان مهلتهای مقرر، الزاماً به صورت لایحه جوابیه مطرح شوند. در این میان بسیاری از دعای ایران، به علت سررسیدن مهلت تعیین شده، هرگز در دادگاه داورى لاهه مطرح نشده اند.

اعتراف نبوی

نبوی خائن در مورد مسائل فوق اعترافات جالبی دارد. او می گوید: "در آن دوره ای که بعد از آزادی گروگانها و تا موقعی که خود من هم مسئولیت رسمی در دفتر بیانیه داشتم، فعال با مسئله برخورد نکردیم. یعنی ما فکر میکردیم وقتی که بیانیه امضا شد، کار تمام است. در حالی که بزرگترین کار ما بعد از امضای بیانیه شروع شد که باید فعال با این قضیه برخورد میکردیم... (اما) فعال با قضیه برخورد نکردیم. از اینرو سازمانهایمان هم فعال با قضیه برخورد نمی کردند. در داورى که می رویم آماده نیستیم. ما دفاعیه نداریم، ما مرتب از داورى مهلت می خواهیم. یکی از علل آنهم که داورى نسبت به ما به تردید افتاده، درخواست ما برای تمدید است. (۱۵ بار) بار آنها احساس کردند که ما میخواهیم وقت کشی کنیم. نمی خواهیم به داورى برویم. پس معمولاً ناقص و ناجور با مساله داورى برخوردش تا آن موقعی که من اطلاع داشتم. بهمین دلیل در داورى، ما ضعیفیم به علت موضع حقوقی و اجرایی و طبعاً آنها قوی ترند." (مجله سروش، ۱۴ آبان ۱۳۶۲)

در چنین جوی فرصت طلبانی که سالها عامل ساواک و دستگاه کیفری رژیم سرتگون شده پهلوی بودند، یکی پس از دیگری عهده دار مشاغل مهم دفتر حقوقی بین المللی شده و یا به عنوان مشاور، به پرکردن جیب خود، خدمت به امپریالیسم و پشت پازدن به منافع کشور، مشغول گشتند. از این عده میتوان این افراد را نام برد:

دکتر نیاکی همکار نزدیک و بار بار احمد قریشی رئیس دانشکده حقوق که مدتی نیز رئیس دانشگاه ملی بود و برای خورقصری در برابر ساواک دانشجویان بسیاری را در زمان شاه از این دانشگاه اخراج کرده بود.

حمود گرامی، اکبر ریاضی و جواد فروتنی که از مهره های مهم رژیم سابق در داورى ارتش بودند.

دکتر حسین صفایی و محمدی نژاد که از

حقوق بین الملل و طرح دعای در مراجع بین المللی همان اندازه اطلاع داشتند که مثلاً رفسنجانی و خامنه ای و بهزاد نبوی در این امور سر رشته دارند.

گردانندگان اصلی

دفتر خدمات حقوقی بین المللی

دفتر خدمات حقوقی بین المللی دارای شعباتی در تهران، واشینگتن، پاریس، لندن و لاهه است. مخارج این دفتر با این همه شعبات و دفتر و دستک و بویژه پولهای کلانی که به و تکلیف خارجی میدهد، رقم بسیاری هنگفتی است که رژیم از افشای آن خودداری میکند. تنها رقم رسمی که در این مورد وجود دارد مربوط به مخارج این دفتر در سال ۶۲ است که در بودجه آن سال گنجانده شده است. این رقم بقیه در صفحه ۱۲

و خودبینی فوق العاده ای که از ویژگی های همه مهره های حاکمیت است، از مشاوره با دیگران خودداری می ورزید. دو نفر داور ایرانی به اسمی شفیع و عنایت نیز که از جانب او برگزیده شدند، همچون خود او فاقد تخصص علمی در زمینه دعای بین المللی بودند. همین امر باعث می گردید که این افراد بیشتر برای این که حزب الله بودن خود را به رخ حاکمیت بکشند در جلسات دادگاه به برخورد های فیزیکی نیز روی آورند و رژیم متبوع خود را مضحکه مطبوعات غرب ساختند.

به دنبال طرح دعای عدیده علیه رژیم در محاکم عمومی و داورى کشورهای آمریکا و اروپا و به دنبال آن تشکیل دادگاه لاهه، لزوم یک مرکز به منظور هم آهنگی و دفاع در برابر این دعای احساس می شد. ولی از همان ابتدای کار تشکیل این واحد و انتساب فردی چون دکتر کاشانی در رأس آن، دسته بندی های درونی حکومت از جمله بر سر نحوه عمل در مراجع حقوقی بین المللی، چنان فکر سران حکومتی را به خود مشغول ساخت که مهلت پیش بینی شده در موافقت نامه الجزایر برای حل و فصل اختلافات به پایان رسید بی آنکه رژیم قدیمی موثر بر سر تنظیم ادعانه های حقوقی علیه آمریکا و دفاع در مقابل دعای مطرح شده علیه ایران بردارد. بالاخره بر سر تشکیل "دفتر خدمات حقوقی بین المللی" توافق نسبی حاصل شد و اختیار کارها این بار به دست فردی به نام فخریه کاشان سپرده شد. این فرد را بهزاد نبوی به این سمت منصوب نمود. فخریه کاشان آگاهی و تخصصش در زمینه مسائل حقوقی بین المللی به مراتب از دکتر کاشانی نیز کمتر بود. او به قول آقایان نه متخصص بود و نه متعهد. در زمینه تعهد او با همان معیارهای جمهوری اسلامی همین پس که این کارمند عالی رتبه سابق بانک مرکزی را انجمن اسلامی تعیین شده از جانب رژیم به دلیل جنبه های افراطی و عیانانش در حمایت از آمریکا، از معاونت این بانک معزول کرده بود.

فخریه کاشان به مجرد تکیه بر مسند امور، عده ای از کارمندان بانک مرکزی را که در این بانک هم دست وی محسوب می شدند، در سمت های مختلف دفتر خدمات حقوقی در لاهه و تهران منصوب نمود. این افراد فرصت طلب به منظور حفظ حقوق و مزایای کلان خود، از دعوت و جذب افراد واجد شرایط خودداری می کردند و منافع ملی را به پیشوی نمی گیرند.

دفتر حقوقی بین المللی از همان ابتدای تشکیل خود به یک نهاد بوروکراتیک تبدیل شد و مسائل اساسی این دفتر، یعنی تشکیل گروه های کار برای مطالعه قراردادها، طرح دعای و تنظیم لوایح، محدود و منحصر به کارهای اداری شد. نتیجه این

ندارد. رقمی که رژیم در دادگاه مطرح کرده است ۱۰۰ میلیارد دلار است. از این مبلغ تاکنون فقط ۳۰ میلیون دلار دست رژیم را گرفته است. اما اگر جمهوری اسلامی استرداد اموال به غارت رفته خلق را بی گیری نمی کند، مهره ها و ایادی رژیم پیشین بیکار ننشسته اند. بسیاری از آنها که تبعه آمریکا شده اند، به عنوان شهروندان این کشور در دادگاه لاهه دعوایی را مطرح کرده اند که گاه سر به یک میلیارد دلار می زند.

چه کسانی منافع ایران را

در دادگاه لاهه نمایندگی می کنند؟

پس از آزادی گروگانهای سفارتخانه آمریکای ایران، کمیته ای در نخست وزیری تشکیل شد که عنوان آن "کمیته هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر" بود. در اوایل سال ۶۱ این کمیته و کمیته دعای بین المللی در هم ادغام شدند و بدینسان "دفتر خدمات حقوقی بین المللی" به وجود آمد که هم اکنون نیز این دفتر است که با صلاح منافع ایران را در دادگاه لاهه پی می گیرد. مادر اینجای برای نشان دادن خیانت پیشکی رژیم، بر اساس اطلاعات موثق که در مورد "دفتر خدمات حقوقی بین المللی" در دست داریم، برخی از گردانندگان آن را به خوانندگان معرفی می کنیم:

نخستین کسی که از جانب رژیم جمهوری اسلامی برای سرپرستی هیات حقوقدانان ایرانی برگزیده شد فردی بود به نام دکتر کاشانی. او که فرزند آیت الله کاشانی مشهور است، عنصری است بغایت راست، مرتجع و دارای چارچوب فکری غربی. همین فرد بود که در مذاکره مستقیم با آمریکایی ها پذیرفت که دادگاه لاهه مرکز رسیدگی به دعای حقوقی ایران و آمریکا باشد. کاشانی به خواسته آمریکا مبنی بر این که زبان انگلیسی، زبان رسمی دادگاه لاهه باشد نیز تمکین نمود. در نظر اول، این موضوع مهم جلوه نمی کند. ولی باید توجه داشت که متخصصین ایرانی در زمینه حقوق، عمدتاً به زبان فرانسه تسلط دارند و عدم تسلط به زبان انگلیسی، به شدت موضع آنها را در جلسات دادگاه تضعیف می کند. بیهوده نیست که دفتر خدمات حقوقی بین المللی وقتی می خواهد فعالیت های خود را به رخ "امت شهید پرور" بکشد از "تشکیل کلاس های زبان انگلیسی برای کارکنان متعهد حقوق" نام می برد. (اطلاعات ۹ اسفند ۱۳۶۱).

کاشانی در انتخاب سرداوران نیز که می بایست با توافق طرفین برگزیده شوند، مطابق با خواسته های آمریکا عمل کرد. سه نفر حقوقدانی که به عنوان سرداور برگزیده شدند، دیری نپایید که نشان دادند بی طرف نبوده و همواره کفه ترازوی عدالت دادگاه لاهه را به نفع آمریکاستگین می کنند.

جالب این جاست که این جناب دکتر کاشانی که از جانب رژیم بعنوان نخستین سرپرست هیات ایرانی برگزیده شد، فاقد تخصص لازمه برای عهده دار شدن چنین مسئولیتی بود. او که فارغ التحصیل رشته حقوق خصوصی از دانشگاه تهران است با حقوق بین المللی خصوصی و عمومی و بویژه با منابع کامن لو COMMON LAW که مبنای دعای بین المللی است آشنایی نداشت و به دلیل خودخواهی



از میان نامه‌ها

تصویر صحنه ای از جنگ ، در سالروز
رهائی خرمشهر

در روز سوم خرداد بود که بالاخره شهر خرمشهر از تصرف اشغالگران بدر آمد. در آن روز در سراسر ایران مردم این پیروزی بزرگ را که ثمره فداکاریهای بی مانندشان بود جشن گرفتند. مردم انتظار داشتند که در ازای آن همه رنجهایی که در راه کسب این پیروزی تحمل کرده بودند دیگر صلح بدست آید. اما سرمداران رژیم جمهوری اسلامی بگونه ای دیگر می اندیشیدند. آنها جنگ را وسیله ای می دیدند که با آن بتوانند اهداف ضد مردمی خود را جامه عمل بپوشانند. بدینگونه جنگ ادامه یافت. و اکنون که سه سال از سالروز فتح خرمشهر می گذرد هنوز صلح دور از دسترس مانده است. عملیاتی که به فتح خرمشهر انجامید عملیات گسترده ای بود که در جبهه وسیعی جریان یافت. یکی از افسرانی که در جبهه نیسان می جنگید گوشه ای از خاطراتش را از آن عملیات طی نامه ای برای ما نوشته است. توجه شما را به خلاصه ای از این نامه جلب می کنیم:

با وجودیکه خود ارتشی بودم، همراه سپاه عازم جبهه شدم - همراه یک گردان ۲۵۰ نفری که از ۲ گروهان تشکیل می شد- بعلت آشنائی من با فنون نظامی و جنگی مرا فرمانده یکی از گروهانها کردند. فرمانده گردان ما، معاون سپاه یکی از شهرها بود که از نظر نظامی و سازماندهی چیزی نمی دانست. تجهیزات گردان ما مانند دیگر گردانهای سپاه تنها عبارت بود از کلشینکوف ۹، عدد آربی جی ۷ و سه عدد تیربار.

دو روز با قطار حرکت کردیم تا به اهواز رسیدیم. دو روز کسل کننده ولی به شوق پیروزی بر دشمن و راندن متجاوز از سرزمین خود این دوروز را تحمل کردم. در یادگان بهشتی، اهواز مستقر شدیم. ۷ و با ۸ گردان دیگر نیز مثل ما تازه آمده بودند. گوشه و کنار اردوگاه پر از هدایای مردم بود. هدایایی که نشانها از ایثار و حمایت مردم داشت هدایایی که مادران برای فرزندان خود در جبهه که برای راندن متجاوز می رزمیدند فرستاده بودند. قسمت زیادی از هدایا بعلت سهل انگاری و بی تفاوتی مسئولین از بین رفته و خراب شده بودند و بقیه نیز در حال کپک زدن و پوسیدن بودند. ناهماهنگی و درهم ریختگی در اردوگاه بطور بارزی مشخص بود، از عدم سازماندهی درست، بی کفایتی و عدم آشنائی به کار اجرایی فرمانده سپاه حکایت می کرد. ناتوانی آنها در امر سازماندهی و نظامی به حدی بود که قبول کردند یک نفر غیر سپاهی معاون فرمانده باشد و مرا بعنوان معاون انتخاب کردند.

افراد گردان ما و سایر گردانها را بیشتر افراد داوطلب از پایین ترین طبقات و اقشار جامعه تشکیل می داد علاوه بر این دودسته دیگر هم در ترکیب افراد دیده می شدند. اولی کودکان و نوجوانان حدود ۱۵ ساله که بدون هیچ گونه آموزش نظامی به جبهه آورده شده بودند و دومی فرصت طلبانی که ریش گذاشته و بی خبر از خطرات می خواستند حضور در

جبهه را وسیله ترقی خود قرار بدهند. ۲ روز بعد به سوسنگرد منتقل شدیم. اکثر خانه ها خراب شده بودند. بادرگیری مستقیم چندان فاصله نداشتیم. در اینجا بود که فرصت طلبان ریش گذاشته ترسوا از آب در آمدند و خواهان بازگشت به خانه شدند رئیس انجمن اسلامی سیمان صوفیان از همه بیشتر ترسیده بود و زودتر می خواست برگردد. کسانی نیز بودند که مدت ماندنشان در جبهه تمام شده بود و می خواستند برگردند. اینگونه افراد را جدا کرده و جای آنها را با سایر افراد از گردانهای دیگر پر کردیم. چهار روز بعد به خط اول منتقل شدیم و شب هنگام حدود یک ساعت با ماشین راه رفتیم. پشت رودخانه نیسان پیاده شدیم و چهار ساعت پشت خاک ریزها پیاده روی کردیم. به محل استقرار رسیدیم. پشت خاکریز سنگر گرفتیم. دیگر کلوله ها از بالای سرمان رد می شدند و صدای مخوفی ایجاد می کردند. با دشمن فاصله ای نداشتیم. سپیده دمان شروع به کندن سنگر کردیم. وضعیت بد آب و غذا باعث مریضی چند نفر شده بود ولی با این همه به کارمان ادامه میدادیم. همانروز کندن سنگرها را تمام کردیم. گردان ما تنها ۴ عدد وانت داشت که تمام کارهای گردان را اعم از حمل نفقات زخمی گرفته تا آوردن غذا و سایر تدارکات انجام میداد. روز دوم یک کشته و ۷ زخمی دادیم.

روبروی ما شهر هویزه قرار داشت. شهری که قبلا در آن کشته و زخمی داده بودیم میدانستم گرفتن آن شهر کار ساده ای نیست. ولی باید تا آخرین نفس جنگید. روز حمله فرارسید، آماده باش شبانه دادیم. سبک حمله اینطور بود که باید گروهان به گروهان از خاکریزها گذشت و به دشمن یورش ببریم و هر کس افتاد افتاد. بقیه به پیشروی ادامه بدهند. نزدیک های نصف شب حمله از جناح ما لغو شد ولی از طرف خرمشهر و پادگان حیدریه بچه ها حمله را شروع

صلح

جنگ
در کلوگاه ایران
سنگ بیداد می ریزد،
و خنجر می کشد
بازوه فریبکاران
بر آواز دل انگیز صلح

ای صلح!

من
عظرت را در رگان مردم یافته ام
و تصویر ترا
در آینه های راهی.

مردم
بر کتیبه های باستانی
اضطراب مرکباز جنگ را
نقش می کنند

و کودکان
بر برگهای دانش
مهربانی تورا
ای صلح!

گیلراد
اردیبهشت ۶۴

کردند. صبح روز بعد نیروهای مستقر در خط نیسان بجز گردان ما به جبهه خرمشهر منتقل شدند. گردان ما در خط نیسان باید جای خالی بقیه را پر میکرد. تنها در چهار کیلومتری ما یک گردان ژاندارمری با چند نفر بر و خودرو قرار داشت و پشت سر آن تاسوسنگرد و از سوسنگرد تا اهواز نیز خالی بود. هیچ پشتیبانی نداشتیم نیروهای عراقی ضرباتشان را آغاز کردند. اما ما تصمیم داشتیم تا آخرین نفر مقاومت کنیم.

فشاری که در خرمشهر به عراقی ها وارد شد مجبورشان کرد پس از ۴۸ ساعت نیرویشان را از جبهه نیسان عقب بکشند و به خرمشهر ببرند. آنها در کمال ناباوری عقب کشیدند و هویزه را تا چهل کیلومتر پشت سر آن (جغیر) خالی کردند و رفتند به شهر آزاد شده هویزه قدم گذاشتیم. تمام اطراف راهها مین گذاری شده بودند بوسیله سر نیزه مین ها را خنثی کردیم و راهی برای عبور سربازان باز کردیم. دستور پیشروی دادند تا جغیر پیش رفتیم. مانعی روبروی ما نبود. دشمن نیروهای خود را برای بردن به سایر جبهه ها عقب کشیده بود. در شهر جغیر در یکی از مقرهای عراقیها مستقر شدم. هیچ اطلاعی از زمین دشمن نداشتیم. از وضع نیروهای آنها هم در منطقه بکلی بی خبر بودیم با وجود این مدام ببا پیغام می دادند که پیشروی کنید. میدانستیم پیشروی در این موقعیت کار خطرناک و ابلهانه ایست. هر لحظه امکان داشت به دام بیفتیم. ولی بناچار دوباره کیلومترها به پیشروی ادامه دادیم و پشت یک خاکریز کوچک مستقر شدیم. ژاندارمری در ۱ کیلومتری پشت مادر پاسگاه طلائیبه مستقر شد. تماس رادیویی با دیگران نداشتیم و فقط پیامها را بوسیله موتور سوارها میفرستادیم. بعد از ۲۴ ساعت طرفهای ظهر روز بیست و چهارم اردیبهشت نیروهای عراقی شروع به آتش کردند. آتش عراقیها هر لحظه سنگین تر می شد. زخمیها را بوسیله ماشینها به پشت جبهه منتقل کردیم. دیگر ماشینی نداشتیم. تانکهای عراقی از روبروی می آمدند به آربی جی زنها دستور زدند دادم ولی دیر شده بود از سه طرف محاصره صد تانک عراقی قرار گرفتیم. تانکهای عراقی از روی خاتریزمی گذشتند و بچه هایکی پس از دیگری کشته و مجروح می شدند. دستور عقب نشینی دادم. هنگام عقب نشینی هدف خمپاره های دشمن قرار گرفتیم باز عده ای کشته و مجروح. حدود یک کیلومتر از جهنم توصیف ناپذیر عقب نشستیم. عراقیها تا پاسگاه طلائیبه پیشروی کرده و دوباره آنجا مستقر شدند. از گردان ۱۳ نفر سالم و ۹ مجروح باقی مانده بود. بقیه کشته شدند. تک تک آنها برای عقب راندن دشمن می جنگیدند. برای اینکه بتوانند در صلح زندگی کنند! خیلی از آنها ممکن بود که نمیرند، در صورتیکه توسط فرماندهانی دلسوز صاحب صلاحیت رهبری می شدند فردای همانروز چند گردان سپاه و چند تانک ارتشی برای کمک آمدند، اما دیگر نوشداروی بعد از مرگ سهراب بودند. فرمانده سپاه منطقه نیز همراه آنها بود که من با او بر سر اینکه چرا ما را بدون پشتیبان ول کرده اند و چرا بدون محاسبه دستور پیشروی میدادند در گیر شدم. چند روز بعد در روز سوم خرداد، روز فتح خرمشهر باقیمانده واحد ما همراه با واحدهای تازه نفس از طرف جغیر و طلائیبه دوباره به نیروهای عراقی حمله برد که نیروهای عراقی نتوانستند مقاومتی بکنند و مجبور به عقب نشینی شدند. ما دوباره جاهای قبلی را پس گرفتیم و حدود یک کیلومتر نیز جلوتر رفتیم. فردای آنروز

باتفاق چند نفر باقیمانده گردان در جستجوی اجساد افرادمان براه افتادیم. عراقیها بغیر از ۷ نفر بقیه را قتل عام کرده بودند و با لودر رویشان را خاک ریخته بودند. در حدود ۲۰۰ جسد متغفن را از زیر خاک در آوردیم. صحنه غیرقابل تحملی بود. عده ای را شناسایی کردیم و به پشت جبهه فرستادیم. اجساد یارانی که تا چند روز پیش با هم بودیم با هم غذای خوردیم و با هم در یک جامی خوابیدیم، از زیر خاک در می آوردیم. جسد ۲۰ نفر را پیدا نکردیم. دوتن از آنها از بهترین دوستانم بودند. ولی بعد از یکسال دیگر استخوانهای آنها را از یک کودال در آوردیم و بوسیله پلاک شناسایی کردیم.

بخشی از نامه یک فدایی

در رابطه با بمباران "دولت آباد"

ساعت ۱۰/۵ شب بود. در خیابانهای تاریک بعد از اتوبان افسریه، صدای آمبولانسها شنیده میشد و در مدخل جاده شهرک دولت آباد، ازدحام مردم و ماشینها دیده میشد. در نزدیکی محل حادثه تمامی راههای ورودی به شهرک را بسته بودند. مجبور بودیم پیاده برویم. مردم کم کم مترکم تر میشدند. صدای خفه جمعیت و صدای آژیر و بعد نزدیک و نزدیکتر، در روبروتلی از آهن و آجر و سیمان و فرش و لوازم خانه، خبر از وجود قربانیان بی گناه را میداد. نیمی از یک ساختمان که جمعا ۲۰ واحد آپارتمان داشت، تخریب شده بود و قسمتهایی از ساختمان آپارتمانهای مجاور فر و ریخته بود. آنطرفتر آهن پاره هایی که چند لحظه قبل از بمباران، ماشین نامیده می شدند، رویهم تلنبار شده بودند. همه حاضرین از جنگ متنفر بودند و عده ای هم مات و مبهوت دور خود می چرخیدند. جوانی به تلخی می گفت: "گلله روی دفترچه بسیج، بمب و راکت با قرعه کشی، بشتابید که از دستتان نرود." پیر مردی که با عصبانیت روی زمین تف می کرد و مرتب حرفی را زمزمه می کرد، در جواب که از وی پرسیدم: چه می گویی؟ گفت: "بتوجه مربوطه مگر کمیته ای هستی؟" گفتم: نه، ولی پدر جان مثل اینکه خیلی عصبانی هستی؟ گفت: "آره مرتیکه می خواهد همه را به کشتن بدهد."

در حال نگاه کردن به ویرانیهایم که دستی بر شانه ام خورد و یک امدادگر آتش نشانی از من پرسید: آبیامی دانی چند نفر در این واحدهای تخریب شده زندگی می کردند. گفتم نه، در این بین یک روحانی را دیدم، بطرفش رفتیم و پرسیدیم، گفت: "نمی دانم بمن مربوط نیست." و نگاه غضبناک امدادگر را برانگیخت.

من و امدادگر وارد ساختمان مخروبه شدیم، چشم به مردی عینکی که هیكلی تنومندی داشت افتاد. وی گریان بود و بر سرش می زد و می گفت: "وای خدای من خانه ام طبقه چهارم بوده و ۱۰ نفر مهمان هم داشتیم. از سرکار به خانه آمده ام، زنم کجاست؟ بچه ام کجاست؟" تعدادی از کمیته چی ها از مردم خواستند که شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" بدهند. دوربین فیلم برداری آوردند. اما هیچکس از آن جمعیت که حدودا به چهار هزار نفر می رسید، به خواستشان جوابی نداد. در نتیجه مجبور شدند بسیجی های همه محلات اطراف را جمع کنند و آنها جلوی

دوربین شعار جنگ جنگ... را دادند. تا فردا شب در تلویزیون نمایش دهند. اما همه مردم به آنها بدو بیراه می گفتند و با نفرت نگاهشان می کردند. پس از آن کمیته ایها کوشیدند مردم را پراکنده کنند. مرد جا افتاده ای می گفت: "در شمال شهر که خودشان (سران رژیم) سکونت دارند تماما ضد هوایی نصب کرده اند. ولی ما را در اینجا بی پناه گذاشته اند جنگ باید تمام شود." و تکرار کرد: "جنگ باید تمام شود."

نامه ای در رابطه با بمباران خزانه

"... در رابطه با برخورد مردم نهران نسبت به جنگ گفتنی زیاد است. من تنها به چند نمونه اکتفا می کنم:

دوازدهم فروردین یعنی یکروز پس از بمباران به خزانه رفتم. مردم برای دیدن آثار ویرانی به آنجا آمده بودند. جمعیت حاضر، بسیار بیشتر از جمعیتی بود که بمناسبت روز جمهوری اسلامی به دانشگاه رفته بودند. حدود پنجاه نفر پاسدار و کمیته چی در لباس فرم و قطعا تعداد بیشتری در لباس شخصی در محل حضور داشتند. یک راننده تاکسی که منزلش در فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری محل بمباران قرار داشت و شیشه های منزلش شکسته بود، حین تخلیه منزلش گفت: دیشب، بعد از بمباران، یکی از همسایه ها که مرد کارگری است و همه شیشه های خانه اش شکسته بود، وقتی با ماموران کمیته که برای امداد آمده بودند مواجه شد، شروع به فحاشی به خمینی کرد و ماموران او را دستگیر کردند و سه نفر دیگر هم که به حمایت از او برخاسته بودند، توسط ماموران بازداشت شدند. وی می گفت: صبح امروز که مصاحبه گر رادیو تلویزیون نزدیک زن که بچه اش در اثر بمباران کشته شده بود جهت مصاحبه رفت، زن داغدار نیت صوت مصاحبه گر را گرفته و با خشم بر زمین کوبید و با حالت گریان شروع به فحش دادن کرد.

با یک سرباز در آنجا صحبت کردم و گفتم: می بینی جنگ یعنی چه! سرباز گفت: "لعنت بر پدرش که شروع کرد و لعنت بر مادرش که نمی گذارد تمام شود." او در حالیکه به اسامی مجروحین بمباران در بیمارستان فلکه دوم خزانه نگاه می کرد گفت: ببین چه بروز مردم آورده اند! گفتم پس بلند فریاد بزن "مرگ بر جنگ" سرباز گفت: من همیشه می گویم مرگ بر جنگ.

مردی که با بچه اش آمده و کارگر خیاط بود، گفت: خدا بکند جنگ زودتر تمام شود تا آینده بچه ها لااقل مثل ما نباشند. یک راننده اداره آب و برق که در محل بمباران حضور داشت، در حالیکه لباسش را می جویید گفت: همه اش تقصیر این حکومت است که نمی خواهد حرفی غیر حرف خود بشنود..."

نامه ای از هشتپیر

"من از هشتپیر برای شما نامه می نویسم. می خواهم کمی از گرفتاری های مردم را بگویم. هشتپیر در منطقه طالش استان گیلان واقع است اکثریت مردم آن روستاهای پیرامونش به کشاورزی اشتغال دارند. آنها از حداقل امکانات یک زندگی ساده محرومند. کشاورزان منطقه که عمدتا شایکارند امسال حاضر نشدند دسترنج خود را به دولت بفروشند. آنها

می گویند دولت همه کالاهای ضروری زندگی را به ما گران می فروشد و در عوض می خواهد برنج را که حاصل زحمات توانفرسای ما است، به ارزانترین قیمت بخرد.

در هشتپیر گرانی و کمبود مایحتاج عمومی پیدا می کند. صدای اعتراض مردم در صف ارزاق عمومی، هر روز بیش تر میشود. بسیاری از کشاورزان به دلیل نبودن امکانات کشت و تعداد زیادی از کارگران بیکار و (به ویژه کارگران ساختمانی بعلت نبودن مصالح ساختمانی) در خیابانهای شهر دستفروشی میکنند و بدین سبب همواره در معرض یورش مامورین شهرداری قرار دارند. دستفروشان بارها هنگام یورش، خشم خود را شعار "مرگ بر شهردار" ابراز داشته اند.

ارگانهای سرکوب رژیم در تقابل با نفرت مردم از جنگ، به ایجاد گشت هایی در شهر، بمنظور پیگرد و دستگیری جوانانی که کارت پایان خدمت ندارند، دست زده اند. پاسداران و ژاندارمها پس از شناسائی آن دسته از فرزندان مردم که خود را به نظام و تلیفه معرفی نکرده اند و یا از جبهه فرار کرده اند، بی درنگ آنان را دستگیر و روانه پادگانها میکنند.

مردم طالش بخاطر سنی مذهب بودن می بایست رنج مضاعف ناشی از استبداد مذهبی حکومت خمینی را هم تحمل نمایند. مسئولین دولتی همیشه معتقدات سنی ها را مسخره می کنند. آنها با دست زدن به حرکات تحریک آمیز سعی دارند جنگ شیعه و سنی راه بیاندازند.

مردم علاوه بر تحمل وضع بد مالی و نترانی ناشی از بیکاری، در بدری، اعتیاد و فساد که زندگی فرزندانشان را تهدید میکند. با یلھوسی های ابدی رژیم نیز که از طریق غارت دسترنج خلق، نیازهای جاه طلبانه خود را تامین میکنند، مواجه اند. برای نمونه: چندی پیش امام جمعه شهر "ناطق" برای آنکه به گفته خویش نامی از خود به جا نهد و خود را پیش حکام رژیم عزیزتر نماید، هوس میکند مسجد قدیمی شهر را که گنجایش ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر را داشت و معمولا هم خالی بود، تخریب کند و مسجد بزرگتری احداث نماید. مسجد مورد نظر "آقا"، ۱۰ میلیون تومان خرج بر می دارد، که وی علیرغم مخالفت شدید مردم با اجرای چنین تصمیمی، مبلغ مورد نظر را از بازاریان و اصناف و سایر اقشار شهر با تهدید و ارعاب جمع آوری کرد. علاوه بر این، دستور تخریب پنج باب مغازه را که نزدیک مسجد قرار داشتند، نیز داد. اکنون همان مغازه داران به جرگه دستفروشان شهر پیوسته اند. امام جمعه برای جمع آوری پول ساختمان مسجد رانندگان تاکسی را جمع کرده و از آنها خواست پول بدهند. بیشتر رانندگان حتی یک تومان هم کمک نکردند. در عوض آنها این جلسه را به محل طرح مشکلاتشان بدل کردند.

علاوه بر توسعه مساجد، زندانها نیز در بخش وسیعی از شهر ما توسعه یافته اند، مهمانسرای بزرگ هشتپیر، زندان سیاه شد. علاوه بر آن یکی از دبستانها شهر که به مقر سیاه نزدیک بود نیز به زندان، تبدیل گردید. با وجود این زندانهای شهر کوچک ما چنان از زندانیان سیاسی پر شده است که آنها جای خوابیدن ندارند. آنها بطور دائمی بوسیله شکنجه گران تحت آزار هستند. دوتن از این جلادان "دشتیاری" و "رضی زاده" نام دارند که آشکارا به جنایات خود اعتراف می کنند...."

موضع مشترك احزاب کمونیست عراق و ترکیه در باره موافقتنامه ضد کردی بغداد- آنکارا

نیروهای ترقیخواه و دموکراتیک آن را محکوم می‌کنند، اینک ۵ سال است که ادامه دارد. این جنگ علیه منافع خلقهای عراق و ایران است، صلح جهانی و امنیت عمومی را به خطر افکنده و به امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا بهانه می‌دهد تا حضور نظامی‌اش را در منطقه خلیج شدت بخشد. در جریان جنگ، عراق تقریباً همه ذخایر خود را از دست داده است. تاسیسات کلیدی اقتصاد - حوزه‌های نفتی، تاسیسات انرژی و بنادر - ویران شده‌اند. در تولید صنعتی و کشاورزی اختلال اساسی وارد آمده است. به همه اینها باید تلفات سهمگین در میان آنهایی که برزور به این قصابی خونین رانده شده‌اند را افزود.

در کشور، پیگرد ددمنشانه احزاب و نیروهای ملی و میهن‌پرست پایان نمی‌پذیرد. جنگ علیه خلق کرد، که برای حقوق حقه ملی خود، برای خودمختاری و دموکراسی واقعی مبارزه می‌کند، ادامه دارد.

از این رو، میهن‌پرستان واقعی، چه در جبهه دموکراتیک ملی عضویت داشته باشند یا نه، برای آلترناتیو دموکراتیک و راهی از رژیم مستبد تلاش می‌کنند. خلق کرد سهم مهمی در این پیکار پر قربانی ایفا می‌نماید. با توجه به ناآرامی‌های فزاینده در میان مردم، تشدید فعالیت‌های پارتیزانی و گسترش فعالیت مردم کرد، رژیم حاکم بر عراق موافقتنامه با حکام آنکارا را به این امید که بتواند از نیروهای ترک علیه نیروهای میهن‌پرست استفاده کند، امضا نمود.

اهداف تجاوزکارانه موافقتنامه ترکیه و عراق، که در سال ۱۹۸۴ تصدیق شد، و اجرای عملی مفاد آن بنحوی جدی صلح و امنیت ملتها را تهدید می‌کند. این موافقتنامه، تشنجات را تشدید نموده و در خدمت امپریالیسم جهانی، اسرائیل و ارتجاع منطقه است توافق مزبور تنها علیه منافع و حقوق خلق کرد در بخشهای مختلف کردستان نیست، بلکه در عین حال بخشی از نقشه‌های امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، برای کل منطقه است.

بر این اساس، احزاب برادر ترکیه و عراق طی بیانییه مشترکی تاکید ورزیدند: "ترکیه بمتأبه یک کشور ناتویی دست اندرکار گسترش حوزه عمل این پیمان است. حکام ترکیه از آن رو نقش‌زاندانم آمریکا را ایفا می‌کنند که خود اهداف توسعه طلبانه و شوینیستی دنبال می‌نمایند. اقدامات ددمنشانه و تجاوزکارانه و موافقتنامه نامشروع، استقلال هر دو کشور را تهدید می‌کند، برای نیروهای خارجی امکان مداخله در امور داخلی دو کشور را فراهم می‌آورد و صلح را در منطقه و سراسر جهان به خطر می‌افکند."

حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست ترکیه خواهان آن هستند که به این تجاوز فورا پایان داده شده و نیروهای ترک از مناطق مرزی عقب بنشینند. احزاب ما افکار عمومی ترقیخواه جهان و همه آنهایی را که قلبشان برای صلح جهانی می‌تپد، فرامی‌خوانند تا از مبارزه عادلانه کمونیست‌ها و نیروهای ترقیخواه و دموکرات هر دو کشور علیه دیکتاتوری و برای یک آلترناتیو دموکراتیک پشتیبانی به عمل آورند.

بقیه از صفحه اول

حکام ترکیه، که از لحاظ نظامی قوی‌ترند، بدون شک از امضای این موافقت‌نامه سود بردند. اما چه چیز باعث شده است که آنها اینچنین برای "حفظ امنیت" مرزهای خود با عراق فکرتان باشند؟

به یاد آوریم که رژیم سرکوبگری که در ترکیه به قدرت رسیده، نیروهای دموکرات و ترقیخواه، حزب کمونیست و سندیکارها را به سبانه‌ترین وجهی سرکوب می‌کند. هزاران نفر دستگیر و شکنجه شده‌اند. بیش از ۲۰ میهن‌پرست اعدام شده و صدها تن در شکنجه گاه‌ها به گونه‌ای ددمنشانه آزار می‌بینند... در قبال مردم کرد، سیاست شوینیسم و ستم ملی و اجتماعی اعمال می‌شود. محافل حاکم حتی حاضر به شناسایی موجودیت کردها در ترکیه، که یک پنجم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، نیستند، تاچه رسد به احترام به حقوق حقه ملی آنها.

در اعمال سرکوب علیه کردها از این بهانه استفاده می‌شود که باید با "شورشیان" مبارزه نمود. نخست وزیر ترکیه در مورد عملیات در مرز عراق نیز از همین استدلال بهره گرفت. وی مدعی شد که این عملیات واکنشی در قبال حمله به نیروهای دولتی بوده است. اما در هر حال نباید اظهارات رسمی مقامات را بدون ارتباط با مسئله کردها، که در کشورهای همسایه، عراق و ایران، حادث شده است، یعنی بدون ارتباط با مسئله موجودیت ملی و آینده خلق کرد، که در یک منطقه به هم پیوسته زندگی می‌کند، دید.

همچنین این عملیات سرکوبگرانه رژیم ترکیه علیه "شورشیان کرد" بی‌ارتباط با نقشه‌های استراتژیک عمومی امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، که خاور نزدیک را منطقه منافع "حیاتی" انحصارات آمریکا می‌نامد، نیست. ترکیه جناح جنوبی ناتو را تشکیل می‌دهد. این کشور یک انبار بزرگ سلاحهای ساخت آمریکا است. در خاک ترکیه، در نزدیکی مرزهای عراق و سوریه، پایگاه "سیاه واکنش سریع" آمریکا قرار دارد. همانگونه که واشنگتن اعلام کرده، این نیروها آماده‌اند در صورتی که منافع ایالات متحده ایجاب کند، در نقاط دلخواهی از منطقه، از پاکستان تا سواحل آفریقا، مداخله نمایند. این اولین بار نبود که حکام ترکیه علیه کشورهای دیگر متوسل به اعمال قهر نظامی شدند. آنها که در سال ۱۹۷۴ به قبرس تجاوز کرده بودند، و در ماه مه ۱۹۸۲ به خاک عراق نیرو فرستادند.

عملیات نظامی رژیم آنکارا خطری جدی متوجه منافع همه کشورها و ملل منطقه ما و جنبش‌های بخش ملی آن، به ویژه مبارزه آزادیخواهانه خلق کرد در ترکیه، عراق و ایران می‌سازد. همچنین باید از تمایلات سلطه جویانه خونتای نظامی ترکیه در قبال همسایه جنوبی نام برد.

اما چه چیز دیکتاتوری عراق را بر آن داشته موافقتنامه مزبور را امضا کند؟ پاسخ این سؤال در بران بسیار حد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌ای است که این رژیم با آن مواجه است. جنگ خانمانسوزی که این رژیم علیه ایران آغاز کرد و همه

شکوفایی، رفاه و بهروزی: ارمغان سوسیالیسم برای مردم مجارستان

چهلیمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری، در عین حال چهلیمین سالگشت برپایی قدرت خلق در یک سلسله از کشورهای اروپای خاوری نیز هست. یکی از این کشورها، مجارستان است که اسامال، چهلیمین سالگرد کشایش فصل نوینی از تاریخ خود را برگزار می‌کند. مجارستان که پس از سرکوب خونین جمهوری شورایی در سال ۱۹۱۹، تحت حاکمیت بورژوا - ملاکی در عقب ماندگی و فقر تنگ داشته شده بود، پس از رهایی از یوغ فاشیسم راه پیشرفت و شکوفایی را برگزید. نخستین گام در راه تحقق تحولات بنیادین دموکراتیک، اصلاحات ارضی و تقسیم زمینهای کشاورزی میان دهقانان بی‌زمین و کم زمین بود. ادامه این راه و تحقق دگرگونیهای سوسیالیستی، اینک باعث آن شده است که مجارستان به سطح بالایی از رشد اقتصادی و اجتماعی برسد. در آغاز قرن حاضر، مجارستان را "کشور سه میلیون گدا" می‌نامیدند. هم اکنون سوسیالیسم برای مردم این کشور، استاندارد بالای زندگی و امکانات گسترده در زمینه‌های فرهنگ، آموزش، دانش، امور اجتماعی و بهداشت فراهم آورده است.

مجارستان فاقد منابع طبیعی عمده است اما علیرغم این امر، آهنگ رشد اقتصادی آن از کشورهای سرمایه‌داری بسیار بیشتر است در فاصله سالهای ۱۹۵۰-۱۹۸۲، درآمد ملی مجارستان پنج برابر شده است. در حال حاضر، جمهوری توده‌ای مجارستان ۲۰ درصد کل صادرات اتوبوس جهان، شش درصد صادرات کالاهای الکترونیکی و چهار درصد صادرات کالاهای مربوط به مخابرات، پزشکی و داروسازی را به خود اختصاص داده است. تولید سرانه بسیاری از محصولات کشاورزی در مجارستان در جهان مقام اول را حائز است. در سال ۱۹۸۴ مجارستان، با ۱۰/۷ میلیون جمعیت ۱۵ میلیون تن غله تولید کرده است. محصول کدوم که در هر هکتار ۵ تن برداشت می‌شود، میچکاه تا به این حد بالا نبوده است.

آمار زیر گوشه‌ای از دستاوردهای بزرگ مجارستان در عرصه اقتصاد را نشان می‌دهد:

مقایسه آهنگ رشد تولید صنعتی مجارستان
بایرخی از کشورهای سرمایه‌داری
(تولید سال ۱۹۵۰ معادل ۱ فرض شده است)

کشور	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۲
مجارستان	۵/۲	۸/۴	۸/۹
بریتانیا	۱/۸	۲/۰	۲/۰
آمریکا	۲/۴	۲/۲	۲/۲
آلمان فدرال	۴/۱	۵/۱	۴/۹
فرانسه	۲/۰	۴/۰	۲/۸

به گفته یانوش کاداردیر اول حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، این کشور "درست بدان دلیل موفق است که از شیوه‌های سوسیالیستی بهره می‌جوید." راهی که جمهوری توده‌ای مجارستان در چهار دهه گذشته پیموده است، بگونه‌ای غیر قابل انکار نشان می‌دهد اندیشه مارکسیسم - لنینیسم تاچه حد زنده و پویاست و نظام اجتماعی سوسیالیستی، تا چه میزان بر سایر نظامها برتری دارد.

بقیه از صفحه ۹

برابر است با ۴۲۲ میلیون ریال.

اخیرا کار سواستفاده و چپاول از خزانه کشور در این دفتر به حدی بالا گرفته که مسئولین امر به‌خشنامه کرده‌اند کارمندان این نهاد حق ندارند بیش از سه نفر از اعضای خانواده و بستگان خود را به‌کار بکنارند!

فصاحت کار این دفتر بعد از مدت اندکی که از تشکیل آن گذشت آنقدر بالا گرفت و آشی که در آن پخته می‌شد آنقدر شور بود که خان‌م فهمید. رژیم در صدد چاره‌جویی برآمد. بالاخره چاره آن شد که فخریه‌کاشان را از سمت خود عزل کرده و در عوض او را به‌عنوان نماینده ایران به‌لاهی فرستادند تا او در آنجا راحت‌تر با آمریکایی‌ها در تماس قرار گیرد. بعد از مدتی عنصر مشکوک و فرصت‌طلب دیگری به‌نام اشراق، کارمند عالی‌رتبه وزارت امور خارجه، جای این فرد را گرفت. این عنصر حتی در وزارت خانه جمهوری اسلامی به یک چهره آمریکاییی اشتباه داشت.

با ورود گودرز افتخارچهرمی به دفتر خدمات حقوقی و بالاگرفتن تدریجی کار او، فصاحت کار این دفتر به اوج خود رسید. گودرز افتخارچهرمی درس فرصت‌طلبی و بوقلمون‌صفتی را از همان عنوان نوجوانی در مکتب پدر رباخوارش در جرم آموخته است. او که قبلاً در خدمت رژیم شاه بود و به‌عنوان بورسیه دولتی و عامل خبری ساواک در خارج از کشور و همچنین در آن هنگام که در دانشگاه فرح سابق مشغول به کار شد و با جان و دل به‌دستگاه سرنگون شده سلطنتی خدمت می‌کرد، بعد از انقلاب به یک حزب الله دوآتشه تبدیل شد. او بزودی با عنوان عضو حقوقدانان شورای نگهبان موقعیت مستحکمی در حکومت برای خود دست و پا کرد.

گودرز افتخارچهرمی در آن هنگام که دکتر کاشانی همه کاره بود مجیز او را میخواند اما بعد از این که موضع کاشانی بر اثر کثرت و قوس‌های درونی حکومت تضعیف شد، او نیز در برابر وی موضع گرفت. این گونه باندبازیهایی که با نشان دادن دوستان و آشنایان و مریدان بر مصدر امور همراه بود، باعث شد که این فرد چندی نباید که همه کاره شود.

دفتر حقوقی پاریس

اولین کار گودرز افتخارچهرمی ایجاد یک سلسله تغییر و تحولات در شعبه پاریس دفتر حقوقی بین‌المللی بود. او ابتدا حسن احمدی کارمند بخش تبلیغات بنیاد مستضعفان را که از جمله خبرچین‌های ساواک در دانشگاه ملی بود، به‌عنوان سرپرست دفتر حقوقی پاریس انتخاب کرد. این فرد بعد از ورود به پاریس عده‌ای از وابستگان و طرفداران رژیم پیشین را به دور خود گرد آورد. از زمره اینان میتوان از فرشته فیاض فاضلی (که پدرش یکی از وکلای مجلس در زمان شاه بوده است) جوادی، تسلیمی و روح افزا (که بورسیه رژیم سابق بودند ولی چون از تحصیل لطفی نداشتند رستورانی در ماریس تاسیس و به کسب و کار مشغول گشتند) نام برد. جالب این جاست که هیچ چیزی از جمله مدارک تحصیلی آنچنانی نیز در توجیه این انتصابات در یک نهاد حقوقی وجود نداشت. تنها باید فاکتور فساد و وطن‌فروشی را برای توجیه این انتصابات مدخلیت داد.

حسن احمدی سرپرست دفتر پاریس بعد از

انتصاب به این سمت برای ابراز تشکر از گودرز افتخارچهرمی، پسر خاله وی را که مرتضوی نام دارد و قبلاً از جمله ساواکی‌های سرشناس شاغل در وزارت آموزش و پرورش بوده است، به عنوان رئیس امور اداری برگزید.

به این ترتیب با توجه به این که دفتر پاریس دعای حقوقی ایران در کل اروپا را دنبال می‌کند باید فاتحه همه دعای مطروحه در محاکم کشورهای فرانسه، آلمان فدرال، انگلستان، اسپانیا و ایتالیا را خواند.

ناگفته پیداست که کار "بی‌گیری" استرداد وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه که پیش از این شرح آن گذشت، به دفتر حقوقی پاریس سپرده خواهد شد. بنابراین باز هم ناگفته پیداست که عاقبت این یک میلیارد دلار چه خواهد شد. رژیم نظر بلندی که از خیر میلیاردها دلار دارائی خانواده سلطنتی و اموال و بیولهای بلوکه شده و بلاکشیده شده ایران توسط آمریکا می‌گذرد، بر سر این یک میلیارد دلار نیز خست به خرج نخواهد داد.

حزب الله در لاهه

فساد و خیانت در دفتر حقوقی بین‌المللی که ظاهراً وظیفه آن دفاع از منافع ایران و بازپس گرفتن دارایی‌های به غارت رفته خلق است، به حدی بالا گرفته که پرونده‌ای که می‌توان در این مورد تشکیل داد، کم اهمیت تر از دعای که میشد در دادگاه لاهه مطرح کرد، نیست. در این دفتر همه انگاری، بر سر خوان بی‌غمان نشسته‌اند.

عده‌ای از وکلای غربی نیز از این خوان بی‌غما بی‌نصیب نمانده‌اند. به این وکلای که از جمله آنها میتوان از "وبر" آلمانی نام برد، تاکنون میلیونها دلار پرداخت شده است.

مسئولین امور معمولاً کارها را به گونه‌ای سازمان می‌دهند که هر چه بیشتر امکان چپاول داشته باشند. مثلاً دعای مطروحه در کشورهای اروپایی از آن جهت به دفتر پاریس سپرده شده، که احمدی و دارو دسته‌اش بتوانند مرتب با هواپیما و با دریافت فوق‌العاده حقوق و هزینه سفر بین پایتخت‌های کشور اروپایی رفت و آمد کنند. این در حالی است که هیچ یک بازبان و سیستم حقوقی این کشورها آشنایی ندارند و در اولین برخورد نیز متشنص می‌شود که این ریخت و پاشها را نمی‌توان چیزی جز فساد و مفتخوری توجیه کرد.

مسئولین دفتر حقوقی بین‌المللی همگی در پایتخت‌های کشورهای اروپایی به خرج ملت زجر دیده ما و به‌یمن خیانت‌های رژیم خمینی به عیاشی مشغولند. به دو نمونه از فساد مسئولان "متخصص" و "متعهد" دفتر حقوقی که از حزب اللهی "چادر و حدت" مقابل دانشگاه نیز حزب اللهی‌ترند، اشاره می‌کنیم:

چندی قبل حسن احمدی مول دفتر پاریس قصد تجاوز به یکی از کارمندان زن شاغل در این دفتر را داشت. کارمند مزبور به شدت مقاومت کرده و بلافاصله به نزد گودرز افتخارچهرمی شکایت می‌برد. اما ایسن شکایت بی‌ثمر می‌ماند و احمدی همچنان در مسند ریاست دفتر پاریس به اعمال رذیله و خائنانانه خود ادامه می‌دهد.

نمونه دیگر: علی رهنمون یکی از مسئولین مالی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی است. این فرد فرصت طلب هر چند گاهی به اروپا سفر کرده و به بیان کارهای اداری در لاهه و دیگر پایتخت‌های کشورهای غربی، حاصل دسترنج مردم را خرج عیاشی هارویخت و پاشهای خود می‌کند. در سفری که او در اواخر سال ۶۲ به اروپا کرده بود تنها خرج تلفن از متل‌های درجه یک سر به چندین هزار دلار می‌زد. او یک شب که به شدت مست کرده بود تا صبح دم به دم به ایران تلفن می‌زد و از عیاشی‌هایش برای دوستان و آشنایان دور و نزدیکش تعریف می‌کرد. مخارج هنگفت همه این تلفن زدن ها جز مخارج ضروری و اداری منظور گردید.

همچنانکه گفتیم همه این افراد حزب اللهی ناب هستند و برای این که حزب اللهی بودن خود را به رخ حاکمیت بکشند، در دادگاه لاهه چماق‌کشی نیز میکنند. نمونه آن حمله به مانگارد قاضی سوئدی است.

برای رژیم بارز ساختن منش حزب اللهی در دادگاه از استیفاء حقوق ملت، بیشتر اهمیت دارد. این که ثمره دسترنج زحمتکشان ایران و دارایی حاصل از چپاول ثروتهای طبیعی کشور به راحتی از حلقوم امپریالیسم و ایدای آن یائین می‌رود چه باک؟! این که آبروی کشور می‌رود و نام ایران در مطبوعات امپریالیستی به سخره گرفته می‌شود چه اهمیتی دارد؟! مهم این است که حزب الله حضور خود را لاهه نیز نشان داده است!

حسن ختام

رژیم هراز چندگاهی از طریق عوامل خود ماجرای نظیر حمله به قاضی سوئدی بوجود می‌آورد و حول آن در داخل کشور جار و جنجال به راه می‌اندازد تا بروی خیانت‌های خود در دادگاه دوری لاهه پرده استتار بکشد، تاکنی در نیابد که عاقبت موافقتنامه الجزایر به کجا انجامید. رژیم جمهوری اسلامی آنقدر وقیح است که هرگز نباید انتظار داشت روزی به شکست و خیانت‌ها و فسادهای خود در مراجع بین‌المللی اعتراف کند. گردانندگان حکومت خیانتکار خمینی هنوز در کمال بی‌شرمی خود را پیروز جلوه داده و تنها بعضاً از برخی سستی‌ها و کاستی‌ها سخن می‌گویند.

رژیم چندی پیش برای شکست‌ها و خیانت‌های خود در دادگاه لاهه توجیه جالبی تراشید، توجیهی مشحون که فقط توسل به آن از جمهوری اسلامی برمی‌آید. سرمقاله نویسن روزنامه اطلاعات که سلما یک آدم معمولی نیست در شماره ۱۱ اردیبهشت ماه پارسال این روزنامه اشکال کار را در آن دانست که در دادگاه لاهه شرع اسلام رعایت نمی‌شود! برای حسن ختام، عین نوشته این روزنامه را در زیر می‌آوریم:

"فرض کنید سیستم حقوقی و فقهی اسلام را در این دعوی حاکم می‌نمودیم، عمل بررسی را هم در یک کشور اسلامی قرار می‌دادیم، دست آمریکایی‌ها را می‌گرفتیم و می‌بردیم مثلاً در گوشه حوزه علمیه نجف در عراق فردا و به زبان عربی و با اصطلاحات فقهی مباحثه حقوقی می‌نمودیم و هر سه داور بی‌طرف را هم از کشورهای اسلامی انتخاب می‌نمودیم، در آنصورت چه بسر آمریکایی‌ها می‌آمد!!!"

در هفته های اخیر، جهان با بزرگداشت چهلین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری، خاطره جانبازیها و قهرمانیهای مردم شوروی و ارتش سرخ را گرامی داشت. "اکثريت" طی مقالاتی به این پیروزی تاریخ ساز و تاثیر سترگ آن در سرنوشت بشریت پرداخت. در رابطه با جنگ جهانی دوم، جنبه ای که برای

انقلابیون ایران منوچهری از چهل سال، ارزش کنکاش و بررسی دارد، مبارزه ضد فاشیستی حزب توده ایران در همان ماهها و سالهای نخست فعالیتش است. در شرایطی که اغلب نیروها، عناصر و شخصیت های سیاسی ایران تحت

تاثیر سلطه استعماری کهن بریتانیا بر کشورها، امپد های واهی به آلمان هیتلری بسته بودند، و در شرایطی که برادر چرخش دیکتاتوری رضاخان به سوی همگامی و اتحاد با فاشیسم هیتلری، خطر هولناکی میهن ما را تهدید می کرد، کمونیستهای ایران یک تنه پرچم مبارزه با فاشیسم را برافراشتند. "مردم"، ارگان حزب توده ایران، درید و آغاز فعالیت مطبوعاتی به عنوان نشریه ضد فاشیستی انتشار می یافت و به افشای عوامل و دوستان آلمان نازی و وتولنه چینی های آنان در ایران می پرداخت. حزب توده ایران، از این تحلیل عمیق درست و علمی حرکت می کرد که خطر رسیدن نیروهای آلمان نازی به ایران از طریق قفقاز یک خطر جدی و واقعی است، خطری که در صورت به تحقق پیوستن، به معنای برپاشدن اردوگاه های مرگ در ایران، قتل عام آزادیخواهان و میهن پرستان و برقراری سلطه سوم و سیاه فاشیستی بر کشور بود.

در زمینه نقش های آلمان نازی برای سلب یافتن بر خاورمیانه و از جمله ایران، یک مقاله تحقیقی در شماره پنج مجله "سویالیسم، تئوری و پراتیک" به چاپ رسیده است. در زیر بخشهای از این مقاله را می خوانید.

طرح حمله به ایران

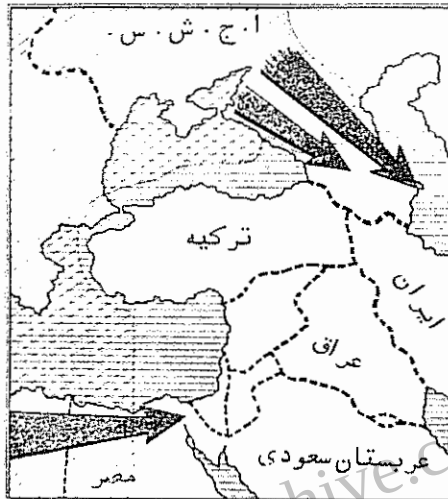
پس از تجاوز به اتحاد شوروی، آلمان نازی قصد داشت در همان آغاز سال ۱۹۴۲ (زستان ۱۳۲۰) به زیر سلطه درآوردن کشورهای خاور نزدیک و میانه را آغاز کند.

بخشنامه شماره ۲۰ ارتش هیتلری با نام رمز "خاورمیانه" که یک ماه پیش از حمله ناجوانمردانه آلمان نازی به اتحاد شوروی نوشته شده است، به مقامات مسئول ارتش ماموریت می داد در کشورهای خاور نزدیک و میانه زمینه سیاسی و مواضع استراتژیک را برای امکان پذیر ساختن عملیات نیروهای نظامی از طریق ماورا قفقاز شوروی و پاترکیه آماده سازند. در رهنمود شماره ۲۲، این تمهیدات جنبه مشخص تری به خود گرفت. در این سند، پیشروی ارتش هیتلری از طریق قفقاز به ایران، ترکیه عراق، سوریه، فلسطین، ماورا اردن و سایر کشورهای منطقه خاور نزدیک پیش بینی شده و آماده بود: "امکان اعمال فشار شدید بر ترکیه و ایران چشم انداز را برای سودجستن مستقیم یا غیر مستقیم از این کشورها برای مبارزه با انگلیس بهبود می بخشد." در همین رهنمود، امکان "حمله گسترده... از ماورا قفقاز به داخل ایران" پیش بینی شده بود. فاشیستها در ادامه افزوده

بودند: "مرگه شکست اتحاد شوروی شرایط لازم را فراهم آورد، باید بکارگیری یک سپاه موتوریزه از ماورا قفقاز علیه ایران را در ارتباط با عملیات تدارک دید."

در یک سند سری دیگر آلمان هیتلری مورخ ۲۲ مه ۱۹۴۱، به اقدامات لازم پس از حمله به

چهلین سالگرد سرکوب فاشیسم نقشه های هیتلر برای تصرف ایران



این نقشه سمت پیش بینی شده برای حمله ارتش هیتلر، به منطقه خاورمیانه را نشان می دهد.

اتحاد شوروی اشاره شده است. نویسندگان سند خاطرنشان کرده اند که "باید در ترکیه، ایران، افغانستان، چین و ژاپن اقداماتی صورت گیرد تا این کشورها هرگونه مبادله با روسیه را متوقف سازند. علاوه بر این باید تبلیغات گسترده ای به راه افتد." آلمان فاشیستی به عوامل خود در ترکیه دستور داده بود تبلیغ کنند که روسیه همواره دشمن آشتی ناپذیر ترکیها بوده است. در ایران و افغانستان، "اتحاد روسیه و انگلیس" موضوع این تبلیغات بود.

آلمان، ایتالیا و ژاپن در قرارداد ۱۸ ژانویه ۱۹۴۲ مناطق مختلف را میان خود تقسیم کرده و موافقت نمودند ارتش هر یک از این کشورها در منطقه خود عملیات لازم را انجام دهد. "مرز منطقه پیش بینی شده برای آلمان هیتلری و ژاپن، از تاشکند کابل و غرب هند می گذشت (بدین ترتیب ایران جز "منطقه" آلمان بود).

دیپلماسی و آلمان هیتلری

برای هماهنگی عملیات در خاور نزدیک و میانه، ستاد ویژه "اف" به ریاست ژنرال نیروی هوایی، هلموت فلمی تشکیل شد. از جمله وظایف او این بود که با جنبش ضد بریتانیایی در کشورهای این منطقه تماس بگیرد، در این جنبش ها مواضع حساس را تصرف کند. فاشیستها روی تلاش اعراب برای پایان دادن به سلطه استعماری حساب باز کرده بودند، و از این رو شعار "استقلال و تمامیت کشورهای عربی" را می دادند.

آلمان نازی در سیاست خاورمیانه ای خود بر محافل بورژوا-اسلاک و روحانی متکی بود و از نقش رهبری آنها در پیکار رهایی بخش ملی علیه امپریالیسم بریتانیا به سود خود بهره می گرفت. برخی مادر جهان عرب نمی دیدند که در پشت شعارهای فاشیستی، فریب، تولنه و عوامفریبی پنهان

است... آلمان از این طریق موفق شد در میان بخش معینی از قشر فوقانی فئودال و بورژوا در کشورهای خاور نزدیک و میانه طرفدارانی پیدا کند که ایده "نظم نوین" هیتلری - فاشیستی در منطقه را می پذیرفتند. سیاست امپریالیستی بریتانیا و سایر قدرتهای استعماری بطور عینی به رشد توهمات آلمانوفیل کمک می کرد و به زمینه های ایجاد جبهه ضد فاشیستی در کشورهای خاور نزدیک و میانه لطمه وارد می آورد... رهبری نظامی آلمان نازی شبکه پیچیده ای از عوامل خود در کشورهای خاور نزدیک و میانه به وجود آورده بود و بدین منظور، از کانالهای مختلف، از جمله کانالهای رسمی، سود می جست...

عقیم ماندن نقشه های فاشیستها

اواخر ژوئیه و اوایل اوت ۱۹۴۲ (تابستان ۱۳۲۱) نیروهای آلمانی بسوی قفقاز پیشروی کردند تا نه تنها ذخایر نفت اتحاد شوروی را تصرف نمایند، بلکه همچنین بر دریای سیاه سلطه کامل یابند. از این طریق فرماندهی ارتش آلمان می توانست با ارتش ترکیه (که ۲۶ لشکر آن در مرزهای اتحاد شوروی تمرکز یافته بود) برای تصرف منطقه خاور نزدیک و میانه تماس مستقیم برقرار نماید. عملیات ناموفق قفقاز ۱۵ ماه به طول انجامید. فرماندهی ارتش فاشیستی در این عملیات، واحدهای تانک و پیاده و واحدهای مخصوص کوهستانی را که در کوهها و بیابانها آموزش ویژه ای دیده بودند، بکار گرفت. در اوایل اوت ۱۹۴۲، شمار کل نفرات آلمانی در این عملیات به ۴۶۷۴۳۴ نفر رسیده بود. نبردهای قفقاز در طول جبهه ای به طول ۲۲۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر انجام گرفت. سربازان شوروی با قهرمانی و شجاعت، حمله دشمن را متوقف ساختند و بر آنها تلفات سنگینی (بیش از ۱۰۰ هزار نفر) وارد آوردند و فاشیستها را به موضع دفاعی راندند. بدینگونه امیدهای ارتش آلمان در قفقاز برای همیشه نابود شد.

خلقهای خاورزمین از سرنوشتی که فاشیسم می خواست بدان دچارشان سازد، نجات یافتند. در این رابطه، پیروزیهای ارتش سرخ در استالینگراد (فوریه ۱۹۴۲) و قفقاز (اکتبر ۱۹۴۲) بیشترین اهمیت را داشت...

شکست عملیات قفقاز، امیدهای هیتلر را برای کشاندن ترکیه به جنگ علیه شوروی، متصل کردن نیروهای مستقر در جبهه آلمان و شوروی به سیاه تحت فرماندهی رومل در شمال آفریقا و آغاز تجاوز به ایران، افغانستان و هند دفن کرد.

پیروزیهای ارتش شوروی در استالینگراد و قفقاز، خلغهای خاور نزدیک و میانه را از اسارت به دست فاشیسم آلمان نجات داد و به اوج گیری مجدد مبارزه آنان برای رهایی اجتماعی و ملی انجامید ●

رویدادهای جهان



جهان، کارزار ضد نیکارگوئه ای ریگان را محکوم می کند

دانیل اورتن رئیس جمهور نیکارگوئه پس از یک سلسله دیدارهای رسمی از اتحاد شوروی، لهستان، مجارستان، رومانی، بلغارستان، چکسلواکی، آلمان دموکراتیک، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا به کشورش بازگشت. در این دیدارها، کشورهای میزبان بدون استثنا کارزار ضد نیکارگوئه ای ریگان رئیس جمهوری آمریکا، و از جمله تحریم اقتصادی نیکارگوئه توسط واشنگتن را محکوم، و اعلام کردند که هیچ اقدامی به نیکارگوئه را ادامه و گسترش نخواهند داد. نماینده انقلاب نیکارگوئه، به ویژه در کشورهای سوسیالیستی مورد استقبال قهروری قرار گرفت و دولت ها و مردم این کشورها به وی اطمینان دادند همچنان در برابر توطئه های آمریکایی از این کشور کوچک آمریکای مرکزی پشتیبانی خواهند نمود. حتی در کشورهای سرمایه داری عضو "ناتو"، نیز، میزبانان اورتن مخالفت خود را با سیاست اعمال فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی که دولت نیکارگوئه با آن روبرو است، ابراز نمودند.

به درخواست نیکارگوئه، مسئله تحریم اقتصادی این کشور از سوی آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار گرفت. در اجلاس شورای امنیت، همه سخنرانان به جز نماینده آمریکا از اعلام تحریم اقتصادی نیکارگوئه توسط ریتان انتقاد کردند. نمایندگان فرانسه، دانمارک، استرالیا و پرو سیاست تجاوزکارانه آمریکا در منطقه آمریکای مرکزی و اقدامات اخیر واشنگتن علیه نیکارگوئه را رد کردند. تحریم اقتصادی اعلام شده از سوی کاخ سفید، به عنوان نقض حقوق بین الملل، به ویژه نقض اصول استقلال و حاکمیت ملتها، و نیز بعنوان به خطر افکندن امنیت بین المللی و ایجاد مانع در راه کوششهای گروه کشورهای "کوانتادورا" (شامل مکزیک، کلمبیا، ونزوئلا و پاناما) برای برقراری صلح در آمریکا مرکزی، محکوم گردید. نماینده هند، بنام دولت این کشور و جنبش کشورهای غیرمتحد گفت سیاست زور، مداخله جویی و تهدید به استفاده از قهر نمی تواند به صلح بیانجامد.

الک تروپانوسکی، سفیر شوروی در سازمان ملل، خواهان لغو فوری تصمیم اخیر آمریکا و حل مسائل آمریکای مرکزی از راه مسالمت آمیز شد. وی، خاطر نشان نمود آمریکا در حالیکه در مورد آفریقای جنوبی از اعمال مجازاتها اقتصادی جلوگیری می کند، در مورد نیکارگوئه درست به خلاف آن عمل می نماید. همچنین نمایندگان مکزیک، لهستان، چین، کوبا، تانزانیا، الجزایر و برزیل بر همبستگی کشورهای خود با نیکارگوئه تاکید ورزیدند. در خاتمه بحث، آمریکا تنها توانست با سه "وتو" از تصویب قطعنامه ای در محکومیت سیاست خود در آمریکا مرکزی جلوگیری نماید.

آمریکادرمه ژوئیه سلاح فضایی خود را آزمایش می کند

روزنامه "واشنگتن پست" نوشت: آمریکا قصد دارد در اواخر ماه ژوئیه اولین آزمایشهای سلاح ضد موشکی خود را علیه یک هدف واقعی انجام دهد. بدین ترتیب برنامه "جنگ ستارگان" ریگان وارد مرحله عملی خود می شود. لازم به تذکر است نظامی کردن فضا، دورجدیدی از مسابقه تسلیحاتی را خواهد گشود. اتحاد شوروی با نظامی کردن کیهان شدیداً مخالف است. این کشور در سال ۱۹۸۲ بطور یکجانبه متعهد شد که از استقرار سلاحهای ضد موشکی در فضا خودداری کند، و از همان هنگام تاکنون به این تعهد عمل می نماید، آمریکا به پیشنهاد شوروی در این مورد پاسخی نداده است.

روز سه شنبه گذشته در وین پایتخت اتریش آندره گرومیکو و جرج شولتز وزرای خارجه شوروی و آمریکا به مدت شش ساعت درباره مسائل مربوط به محدود کردن مسابقه تسلیحاتی، سایر مسائل بین المللی و نیز روابط دو کشور دیدار و گفتگو کردند.

وضع سلامتی ۱۱ هزار مصدوم "بوپال" وخیم است

"یوگندرا ماکوانا" وزیر بهداشت هند در پاولمان این کشور اعلام کرد بیش از ۱۱ هزار نفر از کسانی که بر اثر نشت گاز سی در کارخانه متعلق به شرکت آمریکایی "یونین کارباید" در شهر بوپال هند آسیب دیدند، در موقعیت وخیمی به سر می برند. بر اثر فاجعه ای که سوم دسامبر ۱۹۸۴ در این شهر روی داد، بیش از ۲۵۰۰ نفر از ساکنان بوپال جان خود را از دست دادند و دهها هزار تن دیگر مصدوم جان خود را از دست دادند.

رژیم آفریقای جنوبی دو مبارز را زیر شکنجه به قتل رساند

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در پاسخ به گسترش دامنه مبارزات مردم این کشور علیه "آپارتاید"، دو مبارز سیاهپوست را زیر شکنجه به قتل رساند. "سیفوموتسی" یکی از رهبران جنبش دانشجویی که تنها بیست سال داشت، بر اثر اصابت باتوم پلیس به جمجمه اش در حین بازجویی، کشته شد. سختگوی بیمارستانی که موتسی قبل از مرگ به آنجا

شدند. به گزارش مطبوعات هند، شرکت آمریکایی یونین کارباید در کارخانه بوپال پژوهشهای محرمانه نظامی انجام می داد.

افشا اقدام تروریستی آمریکا در لبنان

هفته گذشته روزنامه "واشنگتن پست" نوشت یک گروه آموزش دیده توسط "سیا"، مسئول کشتار ۸۰ لبنانی بوده است. این عده در جریان انفجار بمب در برابر مسجدی در غرب بیروت که ۱۷ اسفندماه گذشته روی داد، جان خود را از دست دادند. روزنامه "واشنگتن پست" می افزاید "سیا" یک برنامه سری برای آموزش گروههای تروریستی در لبنان را آغاز کرده است. سختگوی وزارت خارجه آمریکا که از اظهار نظر مستقیم در باره این گزارش "واشنگتن پست" خودداری می ورزید متذکر شد که "تضمین امنیت پرسنل وزارت امور خارجه و شهروندان آمریکایی در خارج وظیفه ای است که واشنگتن پیوسته برای انجام آن از همه اقدامات لازم بهره میکشد". این موضعگیری، تأیید غیررسمی محتوای گزارش "واشنگتن پست" محسوب می شود.

تظاهرات گسترده ضد دیکتاتوری در کره جنوبی

در کره جنوبی موج تظاهرات گسترده دانشجویی علیه رژیم آمریکایی "چون دو هوان" به راه افتاده است. دانشجویان خواستار کناره گیری دیکتاتور و آزادی همه زندانیان سیاسی هستند. تظاهرات کنونی با بنچین سالگرد سرکوب خونین قیام کنندگان شهر "کوانگجو" مقارن است در آن هنگام (ماه مه سال ۱۹۸۰) چندین هزار نفر کشته شده بودند.

انتقال یافته بود، ایراد ضربه به جمجمه مقتول را تأیید کرد. همچنین "آندریس رادیتسلا"، از رهبران سندیکای کارگران صنایع شیمیایی، اندکی پس از آزادی از بازداشتگاه پلیس نژادپرست، در نتیجه ضربه ای که به مغزش وارد آمده بود، درگذشت. تشییع جنازه وی به تظاهرات چند هزار نفره علیه رژیم آپارتاید تبدیل شد.



تظاهرات مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم آپارتاید.

گردهمایی نمایندگان مردم افغانستان

مناگونه که قبلاً نیز در "اکثریت"، گزارش کردیم، از سوم تا پنجم اردیبهشت ماه مطابق یک سنت دیرینه، برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب شور افغانستان، اجلاس "جرگه بزرگ" در کابل برگزار شد. سنت برگزاری این گردهمایی نمایندگان اقوام و قبایل گوناگون کشور، به صدها سال پیش باز می‌گردد. چنین اجلاسی تنها در شرایط فوق‌العاده تشکیل می‌شود و باید در مورد مهمترین مسائل سیاست داخلی و خارجی دولت تصمیم‌گیری نماید. امسال "جرگه" بنا به تصمیم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل جلسه داد و مسائل مهمی در دستور کار بحث آن قرار داشت. در سخنان شرکت‌کنندگان در این اجلاس، ضمن برشمردن دستاوردهای کشور طی هفت سال پس از انقلاب، مسائل ناشی از ادامه توطئه چینی نیروهای ضدانقلابی و حامیان خارجی آنها بررسی شد. این موضوعات در اسناد مصوبه نیز بازتاب یافت.

بعنوان نمونه، ضرورت حیاتی اتمام اصلاحات ارضی و آبی در سراسر کشور مورد تأکید قرار گرفت. این اصلاحات برای افغانستان اساس و پایه همه دگرگونیهای دموکراتیک به‌شمار می‌رود. سخنرانان با ذکر این ضرورت، درباره موانع راه تحقق این اصلاحات نیز اظهار نظر کردند. از دیگر مسائل مورد بحث، مبارزه با بیسوادی بود. موفقیت‌هایی که در این زمینه بدست آمده، مورد تقدیر قرار گرفت. در اسفندماه ۶۲، که سال تحصیلی جدید آغاز شد، ۶۶۵ هزار کودک افغانی، یعنی تقریباً همه کودکانی که طبق قانون باید به مدرسه بروند، کلاسهای درس را پر کردند. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر آنست که بیسوادی را در شهرها تا سال ۱۳۶۵ و در سراسر کشور تا سال ۱۳۶۹ از بین ببرد.

"جرگه بزرگ" بخش زیادی از وقت خود را به مسائل سیاست خارجی، از جمله روابط افغانستان با کشورهای همسایه اختصاص داد. در اسناد مصوبه این اجلاس آمده است مردم افغانستان از سیاست خارجی صلح‌جویانه جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی کامل به عمل می‌آورند. در "بیانیه سیاسی" مصوبه "جرگه"، خاطر نشان گردیده که افغانستان یک کشور غیر متعهد بوده و خواهد بود. گردهمایی یاد شده، مداخلات مستمر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه در امور داخلی افغانستان را محکوم کرده و خواستار تحکیم مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی شد.

مصاحبه "اکثریت" با اعضای رهبری حزب کارگران اتیوپی

رهبری حزب کارگران بنای زندگی نوینی را آغاز کرده‌اند. در چنین شرایطی مردم اتیوپی همکاری شرک با دشواریها را به پیش می‌برند، انقلاب هرچه مستحکم‌تر میشود و همراه با افزایش ثبات و آرامش در کشور روند تحولات انقلابی شتاب می‌گیرد.

برای آشنائی با تحولات و موقعیت کنونی انقلاب اتیوپی خبرنگار اکثریت گفتگویی با رفیق روبرو چونگاشو، عضو کمیته مرکزی حزب کارگران اتیوپی انجام داد. این گفتگو با حضور رفیق تارکن مسئول تحصیلات عالی حزب صورت گرفت. در این مصاحبه این دو رفیق به چند سؤال خبرنگار ما پاسخ گفتند. در زیر متن این گفتگو را می‌خوانید.

داشته‌اند. چه آنها و چه آمریکا به سادگی از اتیوپی دست برنمی‌دارند. ما در طول تاریخ چند دهه خودمان با ۵۰ مورد خشکالی مواجه بوده‌ایم. و اصل یکی از علل تسریع کننده انقلاب در اتیوپی خشکالی بوده است. ولی آنها می‌گویند با کنار هم گذاشتن خشکالی و سوسیالیسم تبلیغات را علیه ما هدایت نمایند.

س: خواهش می‌کنم در باره دستاوردهای انقلاب و مشکلات اقتصادی ناشی از خشکالی اخیر توضیح دهید.

تارکن: بعد از انقلاب در سال ۱۹۷۴ با خشکالی بزرگی در کشور مواجه شدیم. پس از انقلاب سیستم فئودالی را در هم کوبیدیم. زمین‌ها را در اختیار آنها گذاشتیم. در این راه علیرغم صدمات اقتصادی سنگینی که در طول جنگ ۱۹۷۸ به ما وارد شد پیشرفت خوبی داشتیم. البته در سه سال گذشته در شمال کشور به‌خاطر شدت خشکالی از برنامه خود عقب افتاده‌ایم. ولی می‌رویم که یکبار و برای همیشه مسئله خشکالی را حل کنیم تصمیم داریم که مردم مناطق خشک استانه‌های اریتره و مجاور آنرا به مناطق غرب کشور که دارای امکانات کشاورزی است، کوچ دهیم. زمین از آن مردم است و باید از زمینهای مرغوب استفاده شود. بدین منظور هم اکنون شهرکهای زیادی با سرعت در غرب ساخته می‌شود.

علیرغم مشکلات کارهای بزرگی تاکنون صورت گرفته است. فقط یک مورد را بعنوان نمونه بگویم که در طول ده سال گذشته سالانه بطور متوسط ۲ میلیون کرسنه تغذیه شده‌اند.

س: جمهوری اسلامی ایران با تبلیغات و هیاهو اعلام نموده است که کمکهای خود را به اتیوپی ارسال نموده است علاوه بر این در رسانه‌های گروهی ایران کمک کشورهای سوسیالیستی به اتیوپی را ناچیز جلوه می‌دهند. نظراتان چیست؟

تارکن: البته ما کمکهای ناچیز جمهوری اسلامی را دریافت نمودیم. ولی در مورد کمک‌های اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی باید بگویم که پس از انقلاب تاکنون لحظه‌ای سیل کمکهای این کشورها اعم از صنعتی، غذایی، نظامی و غیره قطع نشده است. آن جنجالها نشأت گرفته از تبلیغات امپریالیست‌هاست. ما و اتحاد شوروی روابط بسیار نزدیکی با هم داریم و با کمکهای همه جانبه اتحاد شوروی تاکنون توانسته‌ایم اقدامات زیادی انجام دهیم.

در شماره گذشته مصاحبه رفیق ابراهیم نقود دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان را با روزنامه اومانیته پیرامون تحولات اخیر این کشور درج کرده بودیم. رفیق ابراهیم نقود در آن مصاحبه بخشی از مشکلات بزرگی را که در راه تحولات دموکراتیک در سودان وجود دارد بازگفته است. سودان بحران زده نمرته کامل جامعه تحت سلطه ای است که راه رشد سرمایه‌داری و تبعیض از مظاهر انحصارات امپریالیستی بر آن تحمیل شده است.

در مسایلی سودان، اتیوپی انقلابی جای دارد. مردم این کشور علیرغم میراث غم فلاکت بازمانده از دوران هیولاسی و علیرغم مصائب مولناک طبیعی، تحت

س: نظراتان در مورد وضعیت انقلاب اتیوپی و تأثیرات آن در منطقه چیست؟

چیگانو: همانگونه که مطلع هستید بیش از ده سال است که انقلاب اتیوپی به پیروزی رسیده است. عمده‌ترین و ثقیفه ما در این دوران محو نظام فئودالی و پی‌ریزی اقتصاد نوین بوده است، که در این راه علیرغم دشواری‌های موجود کامهای محکمی برداشته‌ایم.

همه‌شما در مورد نقش و جایگاه رژیم سابق اتیوپی در منطقه در جهت پیاده نمودن مقاصد آمریکا، آگاه هستید. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در اتیوپی، آمریکا سعی نمود نقش پیشین اتیوپی را به کشور دیگری در آفریقا محول نماید. و در این راه تلاشهای بسیار نمود تا شاید مراکش، ژنریبا کشور دیگری بتواند این خلا را پر نماید. ولی هیچگاه موفق نشده است.

مسئله بسیار مهم اینست که آمریکا نمی‌تواند هیچ کشوری را جایگزین اتیوپی نماید. و این شاید دقیقاً مانند نقشی است که ایران در زمان گذشته بعنوان ژاندارم منطقه داشته است. آمریکا این دوژاندارم را از دست داد با این تفاوت که تحولات در ایران به سوی راست و در اتیوپی به سوی چپ گرایش یافت. در حال حاضر نقش ما در منطقه یک نقش محوری است. ما عامل ایجاد وحدت میان کشورهای عربی با کشورهای آفریقایی هستیم. مانع بسیار فعالی در حل اختلافات کشورهای آفریقایی داشته‌ایم.

برای ما موفقیت بسیار بزرگی بود که توانستیم علیرغم تلاش آمریکا و ارتجاع منطقه مسئولیت نوزد معین کنگره وحدت آفریقا را بعهده بگیریم. با وجود مخالفت آمریکا، کشورهای وابسته به آمریکا نیز مجبور شدند رهبری این کنگره را توسط ما بپذیرند.

انقلاب اتیوپی تأثیرات ژرفی در منطقه برجا گذاشته است. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، ما با تهاجمات ضد انقلابی در اطراف خود مواجه شدیم. شما دیدید زیاد باره که زمانی خود را سوسیالیست می‌دانست چگونه در دام ارتجاع افتاد و امکانات زیادی در اختیار آمریکا گذاشت. اینک نیروهای آمریکایی از بند بربره و پاپ‌تاه‌های دیگر استفاده می‌کنند.

تاریخ نشان می‌دهد که اتیوپی همیشه برای استعمارگران حائز اهمیت بوده است. استعمارگران انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی در منطقه حضور

AKSARIYAT
No. 57
MONDAY MAY. 20.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!